



تجزیه و تحلیل انتخابات سوم نوامبر ۲۰۰۲ کشور ترکیه استمرار و تحول در نظام سیاسی کشور ترکیه

رضا رسولی*

چکیده

انتخابات زود هنگام مجلس ملی ترکیه که در سوم نوامبر ۲۰۰۲ انجام پذیرفت در حیات سیاسی ترکیه صحنه تغییر و تحولات ریشه‌ای گردید. این کشور بعد از ۴۲ سال برای اولین بار دارای یک مجلس ملی دو حزبی گشته، به ائتلاف چند حزبی خاتمه داد. در این انتخابات که بیش از نصف مردم نسبت به انتخابات دیگر تغییر حزب داده‌اند ترجیح‌های حزبی انتخابات کنندگان از لحاظ اجتماعی اقتصادی و اجتماعی - روانی تجزیه و تحلیل می‌شود. در این مقاله داده‌های تحقیقاتی مربوط به افکار عمومی که قبل و بعد انتخابات تحقق یافته بکار گرفته شده است. در این چارچوب برای تحلیل رفتار انتخاب کنندگان الگوی بسط داده شده توسط اشمیت تحت عنوان تفکیک «دوست - دشمن» و یا «خودی و غیر خودی» در سیاست که در جهت‌دهی رفتار انتخاب کنندگان برای هویت حزب دارای نقش بسزایی است مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.^(۱)

کلید واژه‌ها

رفتار انتخاب کنندگان ترک - انتخابات سال ۲۰۰۲ - رفتار سیاسی - نظام حزبی ترکیه

مقدمه

در ترکیه در سوم نوامبر سال ۲۰۰۲ که کمی هم غیر منتظره بود انتخابات زود هنگام مجلس ملی انجام گرفت. این انتخابات در حیات سیاسی ترکیه بعد از ورود به دموکراسی چند حزبی چهاردهمین انتخابات ملی محسوب می‌شود. از ۴۱/۴ میلیون واجد شرایط انتخاب کننده ۷۹ درصد به پای صندوق‌های رأی رفته و از بین ۱۸ حزب سیاسی مشارکت کننده به انتخابات و دیگر نامزدان مستقل با اراده آزاد خود ترجیح خود را انتخاب نمودند.

بحث‌های مربوط به فرآیند دوره فعالیت انتخابات و تحولات حادث شده بعد از انتخابات همان مقدار که پختگی دموکراسی ترکیه را نشان می‌دهد ضعف‌ها را نیز به نمایش می‌گذارد. وقتی که شب سوم نوامبر نتایج صندوق‌های رأی مشخص شد در نظام سیاسی ترکیه واقعاً شرایطی بحرانی حاکم بود.

نخست کلیه احزابی که در مجلس نمایندگانی داشتند (حزب دموکراتیک چپ^۱، و حزب حرکت ملی^۲، و حزب مام وطن^۳، حزب راه راست^۴ و حزب سعادت^۵) کمتر از ۱۰ درصد رأی اخذ نموده و از ورود به مجلس ملی باز مانده و حزب عدالت و توسعه^۶ که تنها یک سال قبل از انتخابات به رهبری طیب اروغان تأسیس گردید بود با کسب ۳۴ درصد رأی، پیروز انتخابات گشته و با اکثریت $\frac{2}{3}$ وارد مجلس شد.

(جدول شماره یک)

حزب جمهوری خلق^۷ نیز که در انتخابات دوره قبل (۱۹۹۹) زیر ۱۰ درصد مانده و نتوانسته بود به مجلس راه یابد در حالی که برای کسب اقتدار آماده می‌شد با کسب ۱۹ درصد رأی و ۱۷۸ گروه نمایندگان در جایگاه حزب اول مخالف قرار گرفت. و علاوه بر آن در سیاست پارلمانی ترکیه یک چیز نیز برای اولین بار اتفاق افتاد از مناطق مختلف ترکیه ۹ نفر نماینده مستقل به مجلس ملی راه یافت. یک حزب موفق دیگر نتوانست به مجلس راه یابد حزب جوان^۸ بود که چند ماه قبل از انتخابات تأسیس گردید ولی با کسب ۷/۲ درصد رأی جلب توجه می‌نمود.

حزب دموکراتیک مردم^۹ نیز علی‌رغم افزایش رأی در سایه ائتلاف انتخابات نتوانست ادعای یک حزب برای ترکیه را نشان دهد.

در جبهه بازندگان هیجان‌آورترین کاهش رأی پیروز انتخابات قبلی یعنی حزب دموکراتیک چپ بود.

- 1- DSP
- 2- MHP
- 3- ANAP
- 4- DYP
- 5- SPS
- 6- AKP
- 7- CHP
- 8- GP
- 9- DEHAP

برای اولین بار در آرای یک حزب مقتدر حدود ۲۱ درصد کاهش رخ داده و نسبت کسب آراء از ۲۳ درصد به ۱/۱ درصد شد. از دلایل کاهش آرای حزب دموکراتیک چپ می‌توان به تقسیم حزب فوق به دو قسمت و رو به وخامت گذاشتن سلامتی نخست وزیر بلندا جویت و با این حال دست نکشیدن از اقتدار و مواجهه حکومت ائتلاف با نخست وزیری اجویت بحران عمیق اقتصادی اشاره نمود. در انتخابات سوم نوامبر ۲۰۰۲ ضربه سنگین دیگر در حزب مقتدر حرکت ملی مشاهده می‌شود. در انتخابات قبلی که به‌عنوان دومین حزب به مجلس ملی راه یافته بود در دوره ائتلاف با اقتدار از هویت حزبی ترسیمی خود فاصله گرفته و به وعده‌هایی که قبلاً به مردم داده بود (در راس آنها اعدام رهبر حزب کارگران کُرد و مبارزه با فقر و فساد بود) نتوانسته بجا آورد و در قبل از انتخابات نه با سؤالات شهروندان بلکه بیشتر با مسائل درون حزبی خود مشغول بوده و در حدود ۱۰ درصد آراء خود را از دست داده است. شریک کوچک اقتدار یعنی حزب مام وطن نیز به دلایل مشابه و همچنین درآمدن اسم حزب در فساد و اختلاس در نسبت آراء آن نیز در حد قابل توجه کاهش بوجود آمده و نتوانسته به مجلس راه یابد.

البته که بازندگان تنها حزبهای مقتدر نبوده‌اند. در درون و بیرون مجلس نیز بعضی از احزاب مخالف به میزان قابل توجهی آراء را از دست داده بودند. در رأس اینها حزب راه راست است که قبل از انتخابات با ایجاد ائتلاف با دیگر احزاب تلاش کرد که حداقل بتواند وارد مجلس شود که در ساعات اولیه شمارش آراء میزان رأی آن بین ۹-۱۱ درصد تغییر می‌یافت که نهایت در پایان شمارش آراء با کسب ۹/۶ درصد از آراء موجب یاس و ناامیدی بسیاری در حزب فوق گردید.

ارزیابی‌های انجام گرفته در تحلیل رفتن حزب راست میانه مقداری هم به سبب عملکرد رهبر حزب به تاثیر منفی حزب راه راست تأکید کرده‌اند. حزب اسلام گرای سعادت نیز با اعتماد به کف حزب و حضور رهبر طبیعی حزب آقای اریکان در مراحل فعالیت انتخابات در میداین میتینگ علی‌رغم ممنوعیت فعالیت سیاسی تنها ۲/۵ درصد آراء را کسب نمود.

جدول شماره ۱: نتایج انتخابات سوم نوامبر ۲۰۰۲ و تغییرات نسبت به انتخابات سال ۱۹۹۹

تعداد نماینده مجلس در انتخابات سال ۱۹۹۹	تعداد نماینده مجلس در انتخابات سال ۲۰۰۲	تفاوت آراء \pm	کسب آراء در سال ۱۹۹۹ %	کسب آراء در سال ۲۰۰۲ %	احزاب سیاسی
۰	۳۶۳	۳۴/۳	-	۳۴/۳	حزب عدالت و توسعه (AKP)
۰	۱۷۸	۱۰/۷	۸/۷	۱۹/۴	حزب جمهوری خلق (CHP)
۸۵	۰	-۲/۴	۱۲/۰	۹/۶	حزب راه راست (DYP)
۱۲۹	۰	-۹/۷	۱۸/۰	۸/۳	حزب حرکت ملی (MHP)
۰	۰	۷/۲	-	۷/۲	حزب جوان (GP)
۰	۰	۱/۵	۴/۷	۶/۲	حزب دموکراتیک مردم xx (DEHAP)
۸۶	۰	-۸/۱	۱۳/۲	۵/۱	حزب مام میهن (ANAP)
۱۱۱	۰	-۱۲/۹	۱۵/۴	۲/۵	حزب سعادت (SD)
۱۳۶	۰	-۲۱	۲۲/۲	۱/۲	حزب دموکراتیک چپ (DSP)
۰	۰	-۰/۴	۱/۴	۱/۰	حزب اتحاد بزرگ (BBP)
۰	۰	۱/۰	-	۱/۰	حزب ترکیه نوین x (YTP)
۳	۹	۰/۱۳	۰/۸۸	۱/۰	مستقلها
			۸۷	۷۹	درصد مشارکت
			۲۰	۵۴	شناوری انتخاب کنندگان xxx

(x) احزابی که برای نخستین بار در انتخابات شرکت نموده‌اند

(xx) در انتخابات سال ۱۹۹۹ با نام حزب دموکراتیک مردم حضور داشت

(xxx) ضریب شناوری: در بین دو انتخابات از جمع تغییرات حاصله در آرای کلیه احزاب مشارکت کننده در انتخابات، تقسیم بر دو بدست می‌آید.

حتی در شهر قونیه که پایگاه این حزب است میزان کسب آراء این حزب بیشتر از ۵٪ درصد نشد. قابل توجه این است که کف حزب، حزب عدالت و توسعه را که هم به اقتدار نزدیکتر بوده و مؤسسين آن از حزب سعادت بوده‌اند برای انتخاب خود ترجیح داده‌اند.^(۲) از بین احزابی که انتظارات آنها برآورده نشد یکی حزب ترکیه نوین با گرایش چپ و دیگری حزب اتحاد بزرگ در خط ملی‌گرایی محافظه کار جای دارد که میزان آراء هر دو حزب در حد ۱ درصد مانده است.^(۳)

۱- نظام نوین حزب در ترکیه

بی تردید تغییر و تحولاتی ریشه ای که در نتیجه انتخابات سوم نوامبر ۲۰۰۲ در نظام حزب سیاسی ترکیه بوجود آمد قابل ارزیابی است. از نتایج مهم انتخابات سوم نوامبر بی تردید سیاست ترکیه بعد از ۵۰ سال به نظام دو حزبی تبدیل شدن و کشور بعد از ۱۵ سال مجدداً به حکومت تک حزبی درآمدن است. به نام فراهم ساختن اقتدار سیاسی این نتایج همان طوری که در سیاست، اقتصاد، بازار و محیط کار مثبت ارزیابی شده در کشورهای خارجی نیز با نظر موافق و مثبت مواجه بوده است.

انتخابات سوم نوامبر از لحاظ نمایندگی دموکراتیک و مشارکت نتایج را نیز در بر داشته است در رأس اینها این است که تقریباً از ۴۵ درصد آراء اخذ شده برای اولین بار در مجلس ملی نماینده نداشته‌اند. هر چه قدر هم به دلیل به کار گیری قواعد انتخابات به شکل مساوی در کلیه احزاب این نتایج بحث «مشروعیت» هم نداشته باشد مسئله نمایندگی اکثریت وجود دارد.^(۴)

بدان جهت حزب عدالت و توسعه با داشتن $\frac{1}{3}$ رأی که بخواهد $\frac{2}{3}$ مجلس را کنترل نماید و در نظام سیاسی تغییرات اساسی انجام دهد موجب تنش و بحث خواهد بود.

مسئله دیگر نیاز میزان مشارکت در انتخابات است که در سی سال اخیر پایین‌ترین سطح مشارکت بوده است. ۲۱ درصد واجدین شرایط انتخابات به پای صندوق رای نرفته‌اند. در این راستا مهم‌ترین سئوالی که باید پاسخ داده شود این است که آیا بی‌تفاوتی انتخاب کنندگان آثاری از بیگانگی و عدم اعتماد به نظام سیاسی تعبیر و تفسیر و ادراک می‌شود؟ در این خصوص در پرتو داده‌های موجود در ذیل به بحث پرداخته می‌شود.

یکی دیگر از نتایج سوم نوامبر سال ۲۰۰۲ مشاهده انتقال کف رأی احزاب به میزان بسیار بالایی به دیگر احزاب است. به‌طور خلاصه ضریب شناوری که در بین دو انتخاب از جمع تغییرات حاصله در کف رأی کلیه احزاب مشارکت کننده در انتخابات تقسیم بر ۲ به‌دست می‌آید در انتخابات ۱۹۹۹ عدد ۲۰ بوده که در انتخابات ۲۰۰۲ به عدد ۵۴ تغییر یافته است. یعنی می‌توان گفت که ۵۴ درصد انتخاب کنندگان نسبت به انتخابات قبل به احزاب متفاوت رأی داده‌اند که این هم در مفهوم واقعی آن یک تحول بوده و نتیجه آن ورود به فرآیند تشکیل ساختار سیاسی دو حزبی می‌باشد.

در علوم سیاسی تطبیقی به انتخاباتی که تعادل سیاسی موجود را به شکل ریشه‌ای تغییر دهد انتخابات بحرانی^۱ گفته می‌شود. به نظر کی^۲ (۱۹۵۵) که این مفهوم را در علم سیاست مطرح نموده است انتخابات بحرانی در کف رأی احزاب و گرایش رأی انتخاب کنندگان تغییرات ریشه‌ای و کم و بیش پایدار بوجود می‌آورد. احزاب سیاسی در حالی که حمایت کامل بعضی از گروه‌های اجتماعی را از دست می‌دهند می‌توانند گروه تازه‌ای را به خود جذب نمایند. به این نوع گروه انتخاب کنندگان که نه تنها به تغییر اقتدار بسنده نکرده بلکه تعادل قدرت بین احزاب را تغییر داده و بعضی بحران‌های سیاسی و یا اجتماعی - اقتصادی که جامعه را بطور عمیق تحت تاثیر قرار می‌دهد، «تغییر اساسی در وفاداری مردم نسبت به حزب» و یا «جهه‌بندی»^۳ گفته می‌شود. و به این نوع انتخابات نیز که انتخاب کنندگان را مجدداً در اطراف احزاب گروه‌بندی می‌نمایند، «متحد شدن در انتخابات»^۴ گفته می‌شود. در این مورد یکی از بارزترین نمونه‌ها در ایالات متحده آمریکا می‌باشد که بعد از بحران بزرگ ۱۹۲۹ با ائتلاف New deal که حزب دموکرات را به بزرگترین حزب تبدیل نمود. به نظر اوز بودن^۵ با توجه به انتخابات ۱۹۶۹ و ۱۹۷۳ در ترکیه یک جهه‌بندی جدید انتخاب کنندگان تجربه شده است.^(۵)

از این منظر انتخابات مجلس ملی سوم نوامبر ۲۰۰۲ نیز می‌تواند از لحاظ بوجود آوردن تغییرات اساسی در نظام احزاب به‌عنوان انتخابات بحرانی ارزیابی شود. در این انتخابات در سیاست ترکیه آیا گروه‌های انتخاب کننده در اطراف احزاب مجدداً به مفهوم گروه‌بندی ماندگار جهه‌بندی تجربه کردند یا نکردند را می‌توان از نتایج انتخابات بعدی بدست آورد. بنظر می‌رسد سؤال پیچیده‌ای که باید به آن پاسخ داده شود این است که انتخاب کنندگان که قبلاً به احزاب متفاوت رأی داده‌اند چرا با احزاب خود پیوند خود را قطع نموده و در اطراف حزب عدالت و توسعه (مقداری هم در حزب جمهوری خلق) جمع شده‌اند. آیا انتخاب کنندگان عملکرد احزاب موجود را ناکافی دیده و برای اعتراض به احزاب خود به حزب عدالت و توسعه رأی داده‌اند؟ و یا بین این حزب و انتخاب کنندگان واقعاً پیوند عاطفی و احساسی ایجاد شده است؟ علل لغزش‌های انتخاب کنندگان که در این انتخابات بررسی شده است به شناخت بهتر پویایی حیات سیاسی ترکیه و هم زمینه پرتو افکنی برای انتخابات آینده، کمک می‌کنند. در ذیل نخست به توضیح نگرش‌های نظری رفتار رأی دهندگان پرداخته و بعد از آن نیز در پرتو این اطلاعات علل ایجاد تحولات سیاسی انتخابات مجلس ملی سال ۲۰۰۲ برپایه تحقیقات افکار عمومی که در سال ۲۰۰۱-۲۰۰۲ در سطح ترکیه از طرف پروفیسور اورهان کوچکچ^۶ و همکارانش در دانشگاه سلجوق انجام گرفته می‌پردازیم.

-
- 1- Critical
 - 2- key
 - 3- realignment
 - 4- realigning
 - 5- ozbudun
 - 6- orhan Gokce

۲- نگرش‌های نظری در رابطه با رای دادن

پاسخ به سؤال «عوامل موثر بر رای دادن چیست؟» یکی از موضوعات مهمی است که از مدت‌ها پیش توجه محققان جامعه‌شناسی سیاسی را به خود جلب نموده است.

آیا شهروندان در سر صندوق رأی می‌توانند انتخاب معناداری انجام دهند؟ آیا شهروندان در مورد موضوعات مورد بحث انتخابات به اندازه کافی اطلاعات دارند؟

انتخابات با سیاست به چه میزانی مرتبط است؟ شهروندان در زمانی که رأی می‌دهند آیا در راستای نزدیکی به یک حزب معین و یا در جهت گرایش به ایدئولوژی خود رأی می‌دهند و یا متغیرهای اقتصادی (از قبیل بیکاری، تورم و ...) که رفاه مادی جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهند جهت رأی دادن را به میزان قابل توجهی تحت تأثیر قرار می‌دهند؟ و یا نهایتاً انتخاب‌کنندگان طبق ادعای نظریه پردازان دموکراسی کلاسیک «با اندیشه منفعت طلبی» ترجیح عقلایی انجام می‌دهند؟ و یا آنان طبق ادعای بعضی‌ها با جهت‌دهی احزاب و واسطه‌ها به‌عنوان افرادی حاضر و آماده برای فریب داده شدن و یا اغفال دیده خواهند شد؟

در غرب فعالیت‌های مربوط به تحلیل فرآیند انتخابات در سال‌های ۱۹۴۰ آغاز گشته و بعد از جنگ جهانی دوم بر سرعت این فعالیت‌ها افزوده گشت. همان طوری که لیپست^۱ (۱۹۷۳) تأکید کرده است بررسی‌های رفتار انتخاب‌کنندگان بتدریج یکی از موضوعات وسیع جامعه‌شناسی سیاسی گردید. علی‌رغم اینها در تحقیقات مربوطه به عوامل موثر در رأی دادن هنوز به اتفاق نظر دست نیافته‌اند. دانشمندان علوم سیاسی که در این عرصه فعالیت دارند به‌علت بکارگیری فرضیات، روش‌ها و داده‌های گزینش متفاوت بعضاً هم به نتیجه متضاد می‌رسند. با توجه به توسعه تاریخی، فعالیت‌های مربوط به رفتار انتخاب‌کنندگان می‌توان در سه نگرش (جامعه‌شناسی)، (روان‌شناسی اجتماعی) و (اقتصادی) طبقه‌بندی کرد.^(۶)

۱-۲- نگرش جامعه‌شناسی

نخستین تحقیقات مربوط به رأی‌دهندگان که در سال‌های ۱۹۴۰ در آمریکا آغاز شد اکثرشان از روش (نگرش جامعه‌شناسی) استفاده می‌کردند چرا که بنابه اظهار دالتون و واتن برگ^۲ (۱۹۹۳) مناسب‌ترین داده‌های حاضر جهت استفاده داده‌های جمعیت‌شناسی بودند که در آمارهای جمعیت به‌دست آمده بودند. بدان جهت داده‌های اجتماعی و جغرافیایی از طرف احزاب جهت درک قشرهای جامعه استفاده می‌شد.^(۷)

نگرش جامعه‌شناختی ادعا می‌کند که اساس رفتار انتخاب‌کنندگان را طبقه‌بندی اجتماعی تعیین می‌کند فرض بر این بود که آرای اخذ شده در انتخابات نیز در اصل انعکاس مستقیم هویت اجتماعی افراد بر ترجیحات سیاسی است.^(۸)

1 - lipset

2- Dalton and Wattenberg

در نگرش مکتب کلمبیا ترجیح‌های حزبی انتخاب‌کنندگان مانند وابستگی دینی و عادت اجتناب ناپذیر تعریف می‌شود که انتخاب‌کنندگان در هر انتخاب که رأی می‌دهند چیزی غیر از تأیید این هویت تغییر ناپذیر نیست.^(۹) یافته‌های اولیه تحقیقات میدانی که در سال‌های ۱۹۵۰ شروع شده بود در ماهیت پشتیبانی این نگرش است. برای مثال لازارسفیلد^۱ و همکاران (۱۹۴۴) تحقیقاتی که مورد انتخابات آمریکا^(۱۰) میلن و مک کینز^۲ (۱۹۵۴) نیز که در مورد انتخابات انگلستان انجام دادند ثابت نمودند که بطور کلی کف رأی احزاب به‌عنوان انعکاس تفاوت طبقاتی جامعه است.^(۱۱)

بعد از آن نیز تحقیقات لیپست و وکان نیز که کشورهای اروپایی را در بر می‌گرفت با تأکید بر استقرار نظام‌های حزبی در دموکراسی‌های اروپا به‌طور غیر مستقیم بر جا افتادن مدل شکاف اجتماعی اشتراک نموده است.^(۱۲)

با این حال این نگرش به لحاظ اینکه نظام‌های حزبی هر کشور را به عنوان داده‌های اطلاعاتی قرار می‌دهد به دلیل عدم انعطاف در توضیح تئوریک هم در تغییرات نظام‌های حزبی و هم لغزش‌های آراء مورد انتقاد قرار گرفته است اساساً تحقیقات سال‌های اخیر نیز جایگاه نگرش رأی دادن بر پایه طبقات را بر پرتو داده‌های تجربی از بین برده است.^(۱۳)

۲-۲- نگرش روان‌شناسی اجتماعی

با گسترش تحقیقات میدانی و متأثر از این موضوع با افزایش داده‌های اطلاعاتی در سطح فردی نگرش روان‌شناسی اجتماعی نیز در این عرصه اهمیت کسب نمود. چاپ اثر معروف انتخاب‌کنندگان آمریکایی که توسط گروه محقق در مرکز تحقیقات انتخابات ملی واقع در دانشگاه میشیگان انجام پذیرفت نکته عطفی در این زمینه است.^(۱۴) این مدل که بجای گروه بر روی افراد محوریت دارد تأکید می‌کند که نگرش سیاسی وجهت‌گیری ایدئولوژیک آنان در فرایند سیاسی - اجتماعی شدن تحت تأثیر خانواده و محیط در سنین پایین شکل گرفته و در سنین بالا در روی ترجیح حزب بسیار مؤثر خواهد بود. مفهوم جدیدی که این نگرش به عرصه جامعه‌شناسی سیاسی ارائه نمود مفهوم (ماهیت حزب)^۳ می‌باشد. بر این اساس افراد از سنین پایین تحت تأثیر محیط نزدیک بر یک حزب معین احساس نزدیکی نموده و این وابستگی روانی به تدریج قوی شده و در طول زندگی ادامه می‌یابد.

رأی دهندگان اگر در یک انتخابات به دلایل متفاوت (مشکل اقتصادی، نامطلوب بودن نامزد و ...) حتی به یک حزب دیگر نیز رأی دهند در دوره بعدی باز هم به حزب قبلی خود رأی می‌دهند. (نوریس ۷۷: ۱۹۹۸) بعلاوه رأی دهندگان در سایه ماهیت حزب دنیای پیچیده سیاست را بر اساس تعبیر و تفسیر حزبی که به آن احساس نزدیکی دارد در ذهن خود معنی دار می‌بیند. به این ترتیب رأی دهندگان حتی اگر

1- Lazarsfeld
2- Milne and Mc kinze
3- Party identification

دارای اطلاعات کافی نیز نباشند به آسانی می‌توانند وقایع سیاسی را تفسیر نمایند. این نگرش نیز در سال‌های ۱۹۷۰ با شک و تردید مواجه گردید. چون که نخست در آمریکا بعد از آن نیز در اروپا حوادث بوجود آمده و تحقیقات انجام یافته فرضیات اساسی این مکتب را رد کرد. برای مثال در آمریکا در هر سالی می‌گذرد تعداد زیادی افراد، هیچ حزبی را به خود نزدیک احساس نکرده و به مستقل بودن خود تأکید می‌نماید. از طرف دیگر در اروپا غیر از احزاب سنتی راست و چپ که سال‌های طولانی بر سیاست حاکمیت داشتند احزاب دیگری (مانند سبزها) در انتخابات شروع به کسب موفقیت نمودند. بدان جهت محققین در رای دادن به تأثیر عوامل دیگر نیز اندیشیدند و در این راستا تأکید بر روی عواملی مانند شخصیت نامزدان ارزش‌های پست مدرن و تغییرات اقتصادی نمودند.^(۱۵)

۳-۲- نگرش اقتصادی

نگرش سومی که در سال‌های اخیر معروف شده و به‌عنوان مدل عقلانی نیز شناخته می‌شود نگرش رأی دادن اقتصادی^۱ است. با توجه به این نگرش شهروندان در هر انتخابات از لحاظ تحقق اهداف خود حزبی را که مناسب‌تر ببینند به آن رأی می‌دهند. در این نظریه فرض این است که تنها اهداف رأی دهندگان حداکثر نمودن منفعت مادی است. همان طوری که داوونز^۲ (۱۹۵۷) در اثر خود تحت عنوان تئوری اقتصادی دموکراسی بیان می‌دارد «هر یک از شهروندان رأی خود را به حزبی که اعتقاد داشته باشد از دیگر احزاب بیشتر سود او را فراهم خواهد نمود می‌دهد.» با توجه به مدافعین این تئوری هر یک از رأی دهندگان یک هدف معین دارند و اگر حزبی که در تحقق این هدف او موفق نگردد رأی دهنده در انتخابات دیگر رأی خود را به آسانی تغییر می‌دهد.^(۱۶)

ورژن دیگر این مکتب به‌عنوان رأی دادن مبتنی بر گذشته نگر^۳ شناخته می‌شود. بر این اساس رأی دهندگان وقتی که می‌خواهند رأی دهند بر اقدامات و عملکرد عمومی حزب اقتدار نگر بسته و به تغییرات اقتصادی خود در این فرایند توجه می‌نمایند.^(۱۷) برای شهروندان آنچه اهمیت دارد بیش از انجام چگونگی سیاست اقتصادی اقتدار، نتایج حاصله است. بطور کلی رأی دهندگان تمایل دارند در موقعیتی که اقتصاد به جهت مطلوب گرایش دارد حزب مقتدر را پاداش دهند و در صورتی که اقتصاد در جهت منفی گرایش دارد مجازات گردند.^(۱۸)

ضمن اینکه تأثیر انگیزه‌های با منابع اقتصادی بر روی رأی دادن پذیرش عمومی دارد، این مدل نیز شناخت منفعت و هدف را به علت محدود نمودن با منافع مادی و عوامل خارج از اقتصادی و ارزش‌های نهادی که در سیاست اهمیت دارند نادیده می‌گیرند مورد نقد و انتقاد قرار گرفته است.^(۱۹)

- 1- Economic Voting
- 2- Downs
- 3- retrospective Voting

۳- انتخابات در ترکیه و بررسی‌های مربوط به رفتار رأی دهندگان

ترکیه تجربه سیاسی نسبتاً طولانی چند حزبی دموکراتیک دارد. از سال ۱۹۵۰ تا امروز با سیستم انتخابات «چند حزبی» چهارده دوره انتخابات مجلس ملی، هشت دوره انتخابات مجلس ملی میان دوره‌ای، یازده دوره انتخابات سازمان‌های محلی، هشت دوره انتخابات مجلس سنا جمعاً چهل و دو انتخابات انجام و تجربه گردیده است.

اما بررسی‌های تحلیلی در راستای تشریح رفتار رأی دهندگان ترک محدود است. یکی از دلایل این موضوع این است که بحث‌های صاحب‌نظران علوم سیاسی نه در روی رأی دهندگان بلکه بیشتر در روی «احزاب سیاسی» متمرکز گردیده است. به طوری که تحقیقات زیادی در روی احزاب سیاسی صورت پذیرفته است. با این حال بررسی‌های (اونات^(۲۰)، ۱۹۶۵) (اوزبودن^(۲۱)، ۱۹۷۶) (کالای جی اوغلو^(۲۲)، ۱۹۹۴) (اسمر^(۲۳)، ۱۹۹۵) (آگ گون^(۲۴)، ۲۰۰۲) (سای آری و اسمر^(۲۵)، ۲۰۰۲) را می‌توان از مهم‌ترین تحقیقات در روی رفتار رأی دهندگان ترک بشمار آورد.

در بررسی‌های مربوط بر رفتار رأی دهندگان ترک مشاهده می‌شود که نگرش فرهنگی - اجتماعی مبتنی بر تفکیک مرکز - پیرامون بطور گسترده مورد پذیرش واقع گردیده است. این نگرش که در ادبیات بطور گسترده مورد استفاده قرار گرفته از بین نگرش‌های بالا با مدل اجتماعی بیشتر سازگار است. با توجه به این نگرش اقدامات اصلاحی و مدرن سازی امپراطوری عثمانی قرن ۱۹ بین برگزیدگان دولت نظامی - شخصی با گرایش تجددگرا و مرکز گرا و بقیه طبقه جامعه با رهبری علمای سنتی عثمانی و اشراف محلی (پیرامون) جدایی عمیق فرهنگی - اجتماعی ایجاد نموده است. در آغاز قرن بیستم وقتی که مونارشی عثمانی رقابت سیاسی در کشور اجازه داد قشر مدرن در اطراف فرقه اتحاد و ترقی و قشر مخالف نیز در اطراف فرقه اهرار گرد آمدند بدین ترتیب در کشور بین قشر متجدد و سنتی تقسیم بندی اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بطور پر رنگ جدا شد و حالت پایدار به خود گرفت.

این نگرش را که ماردین^۱ در درک نظام سیاسی ترک به عنوان یک کلید می‌داند، می‌گوید که نظام سیاسی ترک ساختاری دوگانه^۲ دارد که از یک طرف در درون خود از نخبگان سیاسی مرکز که به طور منسجم سازماندهی شده و از طرف دیگر از مجموع گروه‌هایی متنوع و پراکنده نامتجانس تشکیل می‌گردد. که حیات سیاسی و پویایی نظام حزبی ترکیه در نتیجه تعامل متقابل این دو گروه رقیب تعیین می‌گردد. اوزبودن ضمن تأیید توضیح ماردین به این نکته تأکید می‌نماید که تقسیم بندی سیاسی که در دوره امپراطوری عثمانی بوجود آمده بود در دوره جمهوریت نیز ادامه داشته و در شکل‌گیری نظام حزبی امروز نیز تعیین کننده است^(۲۶) در سال ۱۹۴۶ در گذر به حیات سیاسی چند حزبی از این دو قدرت رقیب «مرکز» در اطراف حزب جمهوری خلق و «پیرامون» نیز در اطراف حزب دموکرات سازماندهی شدند.

1- Mardin
2- Dichotomy

تا سال ۱۹۸۰ قسمت عمده رأی دهندگان خود را به یکی از این جریان نزدیک حس نموده و رأی خود را بدین شکل استفاده نموده است. بعد از دوازده سپتامبر ۱۹۸۰ برای رأی دهندگان ترک یک دوره جدید محسوب می‌شود در آغاز این دوره کلیه احزاب ابطال، رهبران آنها ممنوعیت فعالیت سیاسی شده و یک شروع جدید بنیان نهاده شده است.

انتخابات ۱۹۸۷ در ترکیه حزبی که نمایندگی «راست مرکز» و «چپ مرکز» و بدین ترتیب مرکز و پیرامون را داشته باشد حداقل هر کدام دو حزب فعال دارند. و در سال‌های ۱۹۹۰ نیز نظام حزبی بیشتر تقسیم شده، و احزابی که هویت مذهبی، ملی‌گرایی، قومی راتا آن زمان نمایندگی می‌کرد نظام حزبی سنتی را پیچیده‌تر نمود. برای مثال حزب رفاه که قشر با احساس مذهبی را نمایندگی می‌کرد شعار با نگرش عدالت اجتماعی را پذیرش نموده و با این شعار از جامعه با یک نسبت معین پشتیبانی شده و رشد یافته است. و در نتیجه حزب رفاه در انتخابات سال ۱۹۹۵ و بعد از آن نیز «حزب حرکت ملی» در انتخابات سال ۱۹۹۹ به شکل باور نکردنی از احزاب راست مرکز بیشتر رأی کسب نموده و بعد از مدت طولانی موفق شدند که در اقتدار ترکیه جایگاه و ایفای نقش داشته باشند.

تعداد اندکی صاحب نظران علوم اجتماعی افزایش و یا کاهش رأی احزاب در انتخابات ربا تکیه بر دلایل اقتصادی تشریح می‌نمایند. برای مثال بولتای و یل درم^۱ در بررسی‌های خود موفقیت حزب دمکرات در انتخابات سال ۱۹۵۰ را در متغیرهایی از قبیل افزایش در قیمت‌های محصولات کشاورزی و رشد تولید ناخالص ملی می‌داند.^(۲۷) کارپات^۲ نیز صعود و نزول حزب دمکرات را وابسته به عوامل اقتصادی می‌داند.^(۲۸) اما در سال‌های بعد این موضوع به صورت عمیق مورد بررسی قرار نگرفته است. در پاسخ این پرسش که چرا تحلیل در روی رفتار انتخاب کنندگان ترک با تکیه به این نوع فنون صورت پذیرفته به نظر می‌رسد که در روابط بین احزاب سیاسی با رأی دهندگان در این کشور نهفته است.

با توجه به این نگرش رایج که از طرف نخبگان ترک نیز زیاد استفاده می‌شود در ترکیه سیاست توسط نخبگان هدایت شده و حمایت رأی دهندگان از احزاب با روابط پشتیبانی (رابطه ارباب - مشتری) فراهم می‌گردد. برای مثال به نظر سایاری^۳ در ترکیه نظام چند حزبی بیش از انتقال گروه بندی‌های اجتماعی به عرصه سیاسی در نتیجه تعارض بین نخبگان سیاسی حاصل شده است.^(۲۹) آیاتا^۴ نیز تأکید دارد که احزاب سیاسی ترک بر پایه منافع گروه نبوده بلکه بر اساس منافع فردی رهبران ایجاد شده است بدان جهت در گذر به حیات چند حزبی رهبران و سیاستمداران محلی با سازمان‌های حزب سیاسی راه داد و ستد رأی در مقابل فراهم نمودن خدماتی از قبیل راه آب برق و مدرسه را انتخاب نموده‌اند.^(۳۰)

- 1- Bultay and yildirim
- 2- Karpat
- 3- Sayari
- 4- Ayata

۴. انتخابات سوم نوامبر ۲۰۰۲ و تحلیل نیمرخ رأی دهندگان ترک

۱-۴- دلایل ساختار جدید در سیاست: تلاش جهت ایجاد یک چارچوب تئوریک

هنوز بر روی انتخابات سوم نوامبر ۲۰۰۲ و بررسی‌های تفصیلی متکی بر داده‌های قابل اعتماد انجام نگرفته است. قبل و بعد از انتخابات بعضی روزنامه‌نگاران و صاحب‌نظران در خصوص چگونگی نتایج انتخابات سوم نوامبر تأکید کرده و ایده‌های مختلفی را ارائه نمودند. ارزیابی‌ها بطور کلی بیشتر در راستای کار آسان این موضوع یعنی بر علت کاهش رأی احزاب مقتدر متمرکز گشته است. علت اصلی کاهش رأی نیز در سال‌های قبل از انتخابات وجود فقر زیاد مردم ناشی از بحران اقتصادی که در تاریخ جمهوری ترکیه اتفاق نیافته بوده نشان داده شده است. از طرف دیگر بی‌ثباتی ده سال اخیر ضعف احساس اعتماد رأی دهندگان نسبت بر احزاب ناشی از حکومت‌های ائتلاف با مسائل درونی و دور شدن احزاب از احساس مسئولیت خود در نتیجه در بین قشر وسیع مردم جامعه اشتیاق ایجاد «اقتدار تک حزب» با اعتماد، با قدرت و اثر بخش که به سرعت مشکلات آنان را حل نماید بوجود آمد.

موارد فوق در اصل که از طرف هر کس شناخته شده فراتر از بیان شفاهی و یا زبانی تکرار مستمر واقعیت‌ها بیش نبوده و به واقعیت‌ها نگرش با بعد جدید و افق دید نیاورده است و بدان جهت در این محور نگرش و دیدگاه برای توضیح نتایج انتخابات سوم نوامبر ۲۰۰۲ یک چارچوب کافی و قانع کننده ارائه نموده است. نتایج این انتخابات در حیات سیاسی ترکیه خیلی با اهمیت بوده اما فقط به بعضی مسائل ساختاری کم اهمیت تأکید دارد. این مسائل ساختاری در سطح رأی دهندگان نبوده بیشتر در سطح احزاب سیاسی می‌باشند. در این خصوص تحلیل‌های (آک یول^(۱)) بعضی سر نخ‌های مهم ارائه می‌کند به‌نظر ایشان در رأی دهندگان به تدریج حس پایمال شدن و بیگانگی گسترده شده و این احساس در جهت دهی رفتار رأی دهندگان عامل مهمی را تشکیل می‌دهد.^(۳۱) اما در راستای پاسخ و درک این پرسش که چرا حزب‌های عدالت و جوان این مقدار رأی کسب نمودند و حزب جمهوری خلق بر عکس انتظار در مخالفت ماند و چرا حزب‌های دموکراتیک چپ، حرکت ملی، مام وطن، دموکراتیک مردم زیر مرز (کسب در صد ورود به پارلمان) و رود به پارلمان ماندند، نظر آک یول ضمن اینکه برای ایجاد یک چارچوب تئوریک بعضی سر نخ مهم را ارائه می‌نماید اما کافی نیست. در این راستا در اساس رفتارهای سیاسی و دوران مایه‌ها بعضی عوامل دیگر که تا به امروز بیان نگردیده‌اند نهفته است. به‌نظر می‌رسد آنچه در اساس رفتارهای سیاسی و درون مایه‌ها نهفته باشد و بدین ترتیب عامل اساسی و تعیین کننده در سیاست است، «تفکیک دوست - دشمن» باشد.

حتی می‌توان گفت که آنچه که سیاست را سیاسی می‌کند و سیاست را برای افراد معنی‌دار و در رأی دهندگان ایجاد انگیزه می‌نماید این تفکیک و یا اصل باشد.^(۳۲) منظور از تفکیک دوست دشمن چیست؟ منظور این است که رابطه هر چیزی با محیط‌اش دیده شده و بدین ترتیب باید مرزی که آن را از دیگری

جدا نماید مشخص باشد.^(۳۳) از لحاظ احزاب سیاسی معنی این موضوع این است که هر حزب سیاسی باید هویت مختص خود و به عبارت دیگر باید خط مشی که آن را از دیگر احزاب با خطوط مشخص جدا نماید داشته باشد محافظت از این هویت هم برای زنده نگهداشتن انتظارات و هم برای انگیزش رأی دهندگان ضروری است. اما از این نباید این برداشت شود که در برنامه‌ها، رفتار و روش‌های احزاب سیاسی در طول زمان تغییری بوجود نیاید. بدون تردید احزاب برای اینکه از قدرت خود محافظت نموده و موجودیت خود را استمرار ببخشند باید بتواند برنامه‌های خود را با شرایط در حال تغییر تطبیق و با اقتضای مختلف ارتباط برقرار نموده و بر موضوعات جدید تاکید داشته باشد که به این (گروه‌بندی احزاب سیاسی) نیز گفته می‌شود فقط این توسعه با تفکیک دوست - دشمن تضاد ندارد.^(۳۴)

فرآینده گروه‌بندی احزاب سیاسی به‌عنوان تحول از حزب ایدئولوژی به حزب مرکز قابل وصف است. این تحول به ضرورت دفاع برای احزاب سیاسی جهت توسعه طیف‌های موضوع و همچنین توسعه نظر و روش در رابطه با هر موضوعی با توجه به شرایط و موقعیت روز اشاره دارد بطور خلاصه انعطاف‌پذیری احزاب سیاسی ضروری است فقط انعطاف‌پذیری احزاب سیاسی را با نقد از دست دادن هویت موجه می‌سازد. با این همه در نظام‌های پارلمانی مدرن ادامه حیات و نگهداری موجودیت احزاب سیاسی بدون انعطاف‌پذیری امکان‌پذیر نخواهد بود. زمانی، که تعادل حساس بین نیاز گروه‌بندی و ضرورت محافظت از هویت حزب فراهم نگردد این فرآیند تحول دردناک و پر مشقت بوده و در نتیجه اعتماد رأی دهندگان نسبت به احزاب متزلزل شده و در نهایت در وابستگی شهروندان به احزاب ضعف و سستی مشاهده خواهد شد. بنابراین در فرآیند تحول احزاب وقتی که به موضوعات جدید تاکید می‌ورزند و یا برای رده‌های بالای حزب، سیاسی‌های جدید گردهم می‌آیند باید نسبت به عدم ایجاد تصور و یا ذهنیت در نظر رأی دهندگان در رابطه با تغییر اساسی در خط مشی حزب حداکثر دقت مبذول گردد. در غیر این صورت نگرش‌ها و شک و تردیدها در راستای از دست دادن هویت حزب گسترده خواهد شد.

در اصل دردسر و ناراحتی که در درون احزاب سیاسی ترکیه وجود دارد از این موضوع ناشی است. به بیان روشنتر احزاب سیاسی در جریان سیاست از اصل تفکیک «ما و دیگران» (دوست - دشمن) که وضعیت آنان را تعیین می‌کنند دور شده‌اند. بنابراین سیاست بنا به بیان اشمیت به عرصه مراکز مهم قدرت^۱ رها شده و بدین ترتیب سیاست به شکل تعارض منافع شخصی و دشمنی‌ها و بازی‌های سیاسی شخصی تبدیل شده و یا همچون ادراکاتی ایجاد کرده است.^(۳۵)

در این راستا اگر بیان کنیم که سیاست و دریک مفهوم احزاب سیاسی از وظایف اصلی خود دور شده‌اند در هر حال زیاد اشتباه بیان نشده است. زیرا احزاب سیاسی به تدریج به سمت همسانی بیشتر گام بر می‌دارند. حزبی که خود را از دیگران جدا می‌کند هویت خود را از دست داده‌اند. مثال بارزی برای این موضوع انتقال‌های نمایندگان و نامزدان مجلس است. در یک انتخابات فردی که از حزب الف نامزد نمایندگی است در انتخابات دیگر از حزب ب نامزد می‌شود. احزاب سیاسی به جای انتظارات رأی

دهندگان با خودشان مشغول می‌شوند. یک روز اعلام می‌کند که با حزب X نمی‌توانم اتفاق نظر داشته باشم و اما روز بعد انگار به اتفاقات و عمل خود با همان حزب همکاری و اتفاق نظر پیدا می‌کند. این مثال‌ها قابل افزایش است اما نکته‌ای که در اینجا مورد تاکید است از دست دادن مفهوم سیاست در نزد مردم و پایین آوردن آن به سطح تعارض منافع کوچک و یا اینچنین استنباط‌ها است. کلیه اینها در سیاست در راستای «تفکیک دوست - دشمن» تماماً اشاره به آغاز از بین رفتن جدایی ما و دیگران است. گرچه در سال‌های اخیر سازگاری^۱ در سیاست مفهوم مد پیدا نموده است. در اینجا بی‌تردید قصد جنگ و دعوا در سیاست نیست، بیشتر تعارض منافع و در این راستا احترام، محبت، خوش بینی سیاست‌مداران نسبت به همدیگر می‌باشد. علاوه بر همه اینها سیاست بطور ساختاری در چارچوب تفکیک دوست - دشمن باید مشخص و قابل درک و استنباط باشد. لذا ضروری است که سیاست به اصل سرشت و ماهیت خود برگردد. در غیر اینصورت بحران‌های حادث از انتخابات سوم نوامبر ۲۰۰۲ می‌تواند هر زمان حالت تکراری داشته باشد. به نظر می‌رسد که انتخابات سوم نوامبر را نیز در راستای «تفکیک دوست - دشمن» بررسی و تجزیه و تحلیل قرار دادن مفید خواهد بود، همچنین تحلیل موفقیت و عدم موفقیت احزاب سیاسی در انتخابات اخیر در چارچوب این تئوری نیز قانع کننده بوده و حداقل در آینده هم از لحاظ اندیشه تئوریک و هم از لحاظ عملی سرنخ‌های مهمی را ارائه خواهد نمود.

۵- اهداف و فرضیه‌های تحقیق

نکته اساسی این تحقیق یعنی فرضیات تحقیق را دیدگاه‌های زیر تشکیل می‌دهند:

- ۱- در چارچوب تفکیک «دوست - دشمن» (ما و دیگران) احزاب سیاسی که نتوانند هویت خود را بطور مشخص در میان گذارند موفقیت آنها ممکن نخواهد بود.
- ۲- احزاب سیاسی که نتوانند خط تمایز خود با دیگر احزاب را مشخص نمایند، بیانات رهبران گروه‌های آنان موثر نبوده و در مقابل آنهایی که برای اولین بار در مقابل انتخاب کنندگان قرار می‌گیرند شانس بیشتری برای داشتن حمایت و اعتماد خواهند داشت.
- ۳- استراتژی «ما و دیگران» بر پایه تفکیک دوست - دشمن یک استراتژی مهم انتخابات و منبع انگیزه است. احزاب سیاسی که در برنامه خود، فرآیند دوره فعالیت انتخابات، تعیین نامزد و دیگر فعالیت‌ها بتوانند «دیگران» را بیافرینند موفق‌تر هستند. موفقیت حزب‌های عدالت و توسعه و جوان از این لحاظ قابل توضیح است.
- ۴- احزابی سیاسی که در برنامه خود، دوره فعالیت انتخابات و دیگر فعالیت‌ها بجای تصور توانمند سازی حزب موجود با طرفداران تضاد پیدا می‌کنند طرفداران انگیزه خود را از دست داده و سر صندوق‌های رأی نمی‌روند. موفقیت حزب‌های جمهوری خلق، حرکت ملی از این لحاظ قابل توضیح است.

۵ - از طرف دیگر با فرآیند جهانی شدن کاهش تفاوت‌های ایدئولوژیکی بین احزاب راست و چپ و تشابهات در اقدامات مدل‌های اقتصادی «احزاب راست افراطی» را که هم نمادهای سیاسی را مشخص‌تر می‌تواند بکار برد و تولید سیاست با محوریت انسان، با امتیازتر می‌نماید. در موقعیتی که جهانی شدن کلیه احزاب را همگن‌تر می‌نماید «راست افراطی» به‌عنوان تنها ترجیح می‌ماند.

۶ - بعضی بررسی‌ها در مورد انتخاب‌کنندگان ترک به دلایل مختلف از لحاظ ارزش‌های ایدئولوژیکی در ۱۵-۱۰ سال اخیر بطور متوسط بیشتر گرایش به راست و ضعیف شدن کف انتخاب‌کنندگان چپ اشاره دارند. این نیز علت ضعیف شدن راست میانه رو و هم مورد ترجیح قرار گرفتن حزب عدالت و توسعه را که در انتخابات فوق خود را دموکرات - محافظه کار معرفی نموده است تشریح می‌نماید.

۷ - در نهایت ترکیه از سال ۱۹۹۴ به این طرف به‌طور مستمر در شرایط بحران اقتصادی زندگی نموده است و این نیز از طرف قشرهای مختلف جامع بطور جدی یک موج اعتراض ایجاد نموده است. بنابراین می‌توان گفت که در انتخابات در بین احزابی که برنامه جدید ارائه نموده و از دیگران سیاست متفاوتی پیشنهاد نموده است این قشر گروه‌های بی‌ثبات (غیر قابل اعتماد) را تشکیل نموده‌اند. برای مثال آرای اعتراض در سال ۱۹۹۵ به حزب رفاه و در سال ۱۹۹۹ به حزب حرکت ملی و در سال ۲۰۰۲ به حزب عدالت و توسعه روانه شده است. این فرضیات که اساس تحقیق را تشکیل می‌دهد در پرتو داده‌های موجود مورد آزمون قرار می‌گیرد. در اینجا چون ارائه کلیه نتایج بررسی مقدر نیست فقط به ارائه یک قسمتی از یافته‌ها اکتفا خواهیم نمود.

۶ - جامعه آماری

داده‌های این تحقیق از تحقیقات انتخاب‌کنندگان که از طرف دانشکده علوم اداری و اقتصادی دانشگاه سلجوق انجام پذیرفته می‌باشد. تحقیقات در آپریل ۲۰۰۱ آغاز شده و اولین اقدام پرسشنامه در دسامبر ۲۰۰۱ و دومین پرسشنامه یک هفته قبل از انتخابات و آخرین پرسشنامه نیز بلافاصله بعد از تشکیل حکومت توسط حزب عدالت و توسعه (دسامبر ۲۰۰۲) تحقق یافته است.

ارزیابی‌های این تحقیق بر پایه تنظیم پرسشنامه بعد از انتخابات که شامل ۳۷ ایالت و برای جمعیت بالای ۱۸ سال با هدف سنجش ارزش‌های سیاسی و اولویت‌های حزبی می‌باشد. پرسشنامه با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده به روی ۳۹۸۶ آزمودنی با مذاکره تحقق یافته است. ویژگی‌هایی دموکرافیک آزمودنی‌ها در جدول شماره ۲ آورده شده است.

جدول شماره ۲ - ویژگی‌های دموکرافیک آزمودنی‌ها

جنسیت (%)	توزیع سنی (%)
مرد ۵۹/۶	سنین ۱۸-۲۴ ۳۱۰۴
زن ۳۶/۴	سنین ۲۵-۳۴ ۲۶۰۶
	سنین ۳۵-۴۴ ۲۳/۲
	سنین ۴۴-۵۴ ۱۳/۱
	سنین ۵۵ به بالا ۵۰۸
موقعیت در آمدی آزمودنی‌ها (%)	
صاحب در آمد مستمر نیست	۲۲/۵
با حداقل حقوق و دستمزد کار می‌کند	۹۰۶
بین ۲۵۰-۴۵۰ میلیون یرو	۱۷/۶
بین ۴۵۰-۶۰۰ میلیون یرو	۱۶/۵
بین ۶۰۰-۸۰۰ میلیون یرو	۱۲/۵
بیشتر از یک میلیارد یرو	۵/۵
بدون جواب	۱۵/۷
موقعیت شغلی آزمودنی‌ها (%)	
زن خانه‌دار	۲۰/۴
دانشجو	۱۴/۰
کارگر با دستمزد	۱۶/۸
کارمند دولت	۲۰/۵
اصناف و کسبه	۱۶/۶
کشاورز	۵/۳
بیکار	۶/۵
موقعیت تحصیلی آزمودنی‌ها (%)	
بدون خواندن و نوشتن	۱/۳
مدرک ابتدایی	۱۵/۷
مدرک راهنمایی	۹/۸
مدرک دبیرستان	۴۲/۲
مدرک دانشگاهی	۲۰/۹

۱-۶- انتخابات سوم نوامبر ۲۰۰۲ و مشارکت سیاسی

قبل از وارد شدن به بررسی عوامل تعیین کننده ترجیح‌های حزبی در انتخابات سوم نوامبر ۲۰۰۲ موضوع مهمی که باید بر روی آن تأکید داشت پایین بودن مشارکت در انتخابات است. همانطوری که در بالا نیز ذکر شد انتخابات اخیر یکی از انتخاباتی است که پایین‌ترین میزان رأی از آرای واجد شرایط و بالاترین میزان عدم مشارکت است. طبق آمار ثبت شده از ۴۱/۴ میلیون انتخاب کننده، ۳۱/۵ میلیون (۷۹٪) رأی داده در مقابل تقریباً ۹ میلیون (۲۱٪) نفر رأی نداده‌اند که این رقم کمترین میزان مشارکت و به بیان دیگر بالاترین میزان عدم مشارکت در ۳۰ سال اخیر است. اگر این وضع را به عنوان بی‌تفاوتی مردم به سیاست توصیف کنیم می‌توان گفت که ترکیه با یک پدیده جدید مواجه است. کاهش آنی مشارکت با رأی دادن از لحاظ جامعه‌شناسی سیاسی تحول مهمی است که باید بررسی گردد. چون که بطور طبیعی افرادی که دارای آگاهی ملی و شهروندی هستند انتظار می‌رود که در انتخابات زحمت رفتن به محل صندوق رأی را متحمل و به یکی از احزابی که به خودشان نزدیک می‌بینند رأی دهند.

برای توضیح علت عدم مشارکت در رأی دادن می‌توان به دو نظر متفاوت مراجعه نمود: یکی از اینها علت اعتماد افراطی افراد به نظام و عدم احساس نیاز به رأی دادن است. دیگری نیز به علت از دست دادن اعتماد شهروندان به نظام است که رأی نمی‌دهند. در این مفهوم عدم مشارکت شهروندان در انتخابات و یا رأی دادن ممنوع به عنوان یک اقدام اعتراض و یا واکنش سیاسی ارزیابی می‌شود.^(۳۶) با توجه به نتایج حاصل از انتخابات سوم نوامبر ۲۰۰۲ از این دو دیدگاه کدامیک بیشتر قابل پذیرش است. به این پرسش تنها می‌توان با تجزیه و تحلیل داده‌های مبتنی بر تحقیقات افکار عمومی پاسخ یافت. ارزیابی‌های ما در اینجا به یافته‌های گروه ۴۴۰ نفری که در پرسشنامه مشارکت نموده و در انتخابات سوم نوامبر ۲۰۰۲ رأی ندادند متکی است.

جدول شماره ۳ - اعتماد سیاسی و مشارکت در انتخابات

اعتماد به نهادها	رأی دهندگان	رأی نه دهندگان	تفاوت
حکومت موجود	۶۰/۱	۴۸/۱	۱۲/۰
مجلس ملی (پارلمان)	۵۹/۷	۴۵/۲	۱۴/۵
دادگاه‌ها	۴۶/۲	۲۹/۵	۱۶/۷
کارکنان	۳۰/۴	۲۱/۶	۸/۸
ارتش	۶۶/۵	۶۲/۱	۴/۴
احزاب سیاسی	۱۹/۰	۸/۹	۱۵/۱

نخستین موضوعی که بایستی بر آن تأکید داشت رابطه بین اعتماد سیاسی و رأی دادن است. داده‌های موجود در جدول شماره ۳، در این خصوص سرنخ‌های مهمی ارائه می‌دهد. نتایج مهم حاصل از جدول شماره ۳ بیانگر این است که بین رای دهندگان و رای نه دهندگان در مورد اعتماد به نهادهای سیاسی یک تفاوت بارز وجود دارد. غیر از اعتماد به ارتش، در اعتماد رأی نه دهندگان نسبت به حکومت، مجلس، بوروکراسی، و احزاب سیاسی یک تفاوت مشخص بین ۸٪ الی ۱۶٪ جلب توجه می‌نماید. این مفهوم بدین معنی است که انتخاب کنندگان به نهادهای موجود سیاسی و اداری اعتماد نداشته و بر این باور هستند که احزاب سیاسی متفاوت که بر سر کار می‌آیند نظام سیاسی موجود را به نفع شهروندان (ملت) تغییر نخواهند داد. و یا بر عکس انتخاب کنندگانی که رای می‌دهند بر این باورند که نظام سیاسی موجود را به نفع خود تحت تأثیر قرار خواهند داد. در پرتو این یافته‌ها می‌توان گفت که آنهایی که در انتخابات سوم نوامبر ۲۰۰۲ مشارکت نکرده‌اند و به عبارت بهتر آنهایی که از حقوق رأی دادن خود منصرف شده‌اند در زمینه این رفتار آنها نسبت به نظام یک احساس بی‌اعتمادی و گرایش اعتراض نهفته است. یک موضوع مهم نیز در رابطه با ترجیح‌های حزبی قبلی افراد است که در انتخابات سوم نوامبر ۲۰۰۲ رای نداده‌اند. در جدول شماره ۴ این اطلاعات روشن کننده ارائه شده است.

$\frac{1}{3}$ رأی نه دهندگان (۳۰ درصد) در انتخابات دوره قبل نیز این گروه‌گان را تشکیل داده‌اند. در مفهوم سیاسی اینها را می‌توان به عنوان گروه منفعل توصیف نمود. در گروه دوم نیز انتخاب کنندگان جدید قرار می‌گیرند. به اینها انتخاب کنندگانی که هنوز به رای دادن عادت نموده‌اند گفته می‌شود.

جدول شماره ۴ - ترجیح‌های حزبی در انتخابات ۱۹۹۹ برای افرادی که در انتخاب سوم نوامبر ۲۰۰۲ مشارکت نداشته‌اند (رأی نداده‌اند)

در سال ۱۹۹۹ به چه کسی رأی دادند	%
در سال ۱۹۹۹ رأی نداده‌اند	۳۵/۰
در سال ۱۹۹۹ جزو انتخاب کنندگان نبوده‌اند	۱۵/۰
در سال ۱۹۹۹ رأی دهندگان به حزب حرکت ملی	۹/۱
در سال ۱۹۹۹ رأی دهندگان به حزب دموکراتیک چپ	۸/۹
در سال ۱۹۹۹ رأی دهندگان به حزب مام میهن	۵/۲
در سال ۱۹۹۹ رأی دهندگان به حزب راه راست	۳/۲
در سال ۱۹۹۹ رأی دهندگان به حزب جمهوری خلق	۲/۷
در سال ۱۹۹۹ رأی دهندگان به حزب رفاه	۱/۴
در سال ۱۹۹۹ رأی دهندگان به حزب دموکراتیک خلق	۱/۴
بخاطر ندارند	۶/۱

در بین رأی نه دهندگان گروه مهمی را انتخاب کنندگان احزاب اقتدار تشکیل می‌دهند. قبل انتخابات که احزاب (دموکراتیک چپ - حرکت ملی - مام میهن) در اقتدار بودند از کف آنها قشر قابل ملاحظه‌ای به عنوان اعتراض در انتخابات به صندوق‌های رای نرفته‌اند. گرایش یا عدم گرایش این انتخاب کنندگان به احزاب قبلی خود در انتخابات بعدی مشخص خواهد شد. اما از حالا با اطمینان زیادی قابل پیش بینی است احزابی که در سیاست‌شان به خواسته‌ها و مطالبات شهروندان حساسیت کافی نشان ندهند در آینده با مسائل و مشکلات جدی مواجه خواهند بود. این وضع هم در مورد احزاب بیرون از مجلس مانند حرکت ملی، مام میهن و راه راست و هم حزب حاکم در مجلس (عدالت و توسعه) و حزب مخالف (جمهوری خلق) نیز مطرح است.

پاسخ پرسش از افرادی که چرا رأی نداده‌اید؟ از لحاظ ارائه دلایل مستقیم رفتار عدم مشارکت در انتخابات اهمیت دارد. (جدول شماره ۵) بر این اساس مهم‌ترین عوامل بی‌علاقه‌گی انتخاب کنندگان در انتخابات سوم نوامبر ۲۰۰۲ عبارتند از:

۱ - اقناع کننده نبودن سیاستمداران (۳۰/۵٪)

۲ - عدم باور بر تغییرات مهم از طریق انتخابات (۲۳٪)

۳ - عمل نکردن احزاب به وعده‌های خود (۱۰٪)

۴ - عدم اعتماد به رهبران (۹٪)

این یافته‌ها با داده‌های مربوط به اعتماد سیاسی که در بالا بدان اشاره رفت مطابقت جدول ۵ نشان می‌دهد.

بطور خلاصه اکثریت افرادی که رای نداده‌اند کسانی هستند که به احزابی که در مورد هویت سیاسی با مشکل مواجهند و بدین ترتیب نسبت به نظام سیاسی اعتماد خود را از دست داده‌اند. به عبارت دیگر اینها انتخاب کنندگانی هستند که نسبت به نظام بیگانه شده‌اند. این وضع نیز از لحاظ استقرار دراز مدت رژیم دموکراتیک می‌تواند یک پیام خطر باشد.

جدول شماره ۵ - علت رأی نه دادن

٪	پاسخ مربوط به پرسش چرا رأی ندادید
۳۰/۵	به علت اینکه سیاستمداران اقناع کننده نیستند
۲۳	به علت اینکه باور ندارم انتخابات تغییرات مهمی را بوجود می‌آورد
۱۰	به علت اینکه احزاب به وعده‌های خود عمل نه می‌کنند
۹	به علت اینکه به رهبران اعتماد نمانده است
۳	به علت اینکه احزاب مغایر فلسفه اساسی خود رفتار می‌کنند
۲	به علت اینکه نمی‌خواهم به حزب سیاسی دیگر رای دهم

۲-۶- عوامل موثر بر ترجیح حزبی انتخاب کنندگان

۱-۲-۶- دستور کار سیاسی انتخاب کنندگان و ارزیابی‌های حزب :

همان طوری که در بحث‌های نظری رای دادن مطرح گردید ترجیح‌های حزبی انتخاب کنندگان از طریق عوامل بلند مدت از قبیل علاقه گروه‌های اجتماعی، گرایش‌های ایدئولوژیک، وابستگی‌های روانی و هم عوامل کوتاه مدت از قبیل تحولات اقتصادی، عملکرد حزب حاکم و نامزدان حزب تعیین می‌گردند. در این میان مسائل مهم مطرح در اوضاع و احوال انتخابات و راه حل‌های پیشنهادی احزاب در حال رقابت در راستای این مسائل نیز (وعده‌های انتخابات) در تعیین جهت رأی انتخاب کنندگان بسیار حائز اهمیت است. برنامه پشت پرده انتخابات سوم نوامبر ۲۰۰۲ در حد زیادی دو بحران اقتصادی بزرگ را تشکیل داده است.^(۳۷) بحران نوامبر سال ۲۰۰۰ و بعد از آن بحران فوریه ۲۰۰۱ از عمیق ترین بحران اقتصادی تاریخ جمهوری ترکیه بوده است. در نتیجه این بحرانها در سال ۲۰۰۱ اقتصاد ترکیه ۹/۴٪ کوچک شده در آمد سرانه ملی از سطح ۳ هزار دلار به رقم ۲۰۰۰ دلار کاهش یافته است. برای مبارزه با بحران از صندوق بین‌المللی پول (IMF) درخواست کمک شده و برای رأس امور اقتصاد شخصاً از طرف نخست وزیر، شخصی از واشنگتن دعوت و به‌عنوان وزیر انتصاب گردید. حکومت برای انجام دادن اصلاحات ساختاری مجبور به اخذ تدابیر ثبات اقتصادی شد. اساس این تدابیر نیز عبارت بودند از افزایش مالیات، کاهش و محدودیت در هزینه‌های عمومی، صرفه‌جویی در نهادهای دولتی.

به طوری که از انتخاب کنندگان خواسته شد سه مشکل اصلی را که ترکیه با آن مواجه است و بایستی هر چه زودتر حل شود، بیان نمایند در این میان اقتصاد (۷۲٪) و بیکاری (۴۷٪) دو مشکل بزرگ بود که اولویت‌بندی شد. (جدول شماره ۶) و بعد از آن به ترتیب موضوعاتی از قبیل رابطه با اروپا، دموکراسی و حقوق بشر می‌آیند. به‌علت بحران اقتصادی اکثر آزمودنی‌ها یا در هزینه‌های پوشاک (۶/۵٪) و یا در هزینه‌های خوراک برای خودشان محدودیت ایجاد نموده‌اند به بیان دیگر بحران، استاندارد زندگی مردم ترکیه را به پایین کشیده و حتی در نیازهای اساسی انسانی مجبور به محدودیت شده‌اند. از طرف دیگر در فرآیند مبارزه با بحران، شکاف و تردید بوجود آمده در حکومت ائتلافی برای اخذ تصمیم‌های ضروری و حیاتی نیز بشدت باعث بی‌اعتمادی افکار عمومی نسبت به احزاب مقتدر گردید.

در این پرسش برای آزمودنی‌ها که برای حل مشکلات فوق کدام حزب سیاسی بهتر می‌تواند راه حل داشته باشد نیز پیروز انتخابات یعنی حزب عدالت و توسعه با ۴۰٪ در اولویت اول قرار گرفته است.

جدول شماره ۶ - دستور کار انتخاب کنندگان : بحران اقتصادی و آثار آن

مهم‌ترین مسئله‌ای که ترکیه با آن مواجه است و بایستی هرچه زودتر حل شود چیست؟	%
اقتصاد	۷۲
بیکاری	۴۷
اتحادیه اروپا	۲۰
دموکراسی و حقوق بشر	۱۰
عدالت	۸
بحران اقتصادی شما را چگونه تحت تاثیر قرار داد	
هزینه‌های پوشاک را محدود کردم	۶/۵
هزینه‌های خوراکی را کاهش دادم	۲۸
به مسکن با اجاره و هزینه کم نقل مکان کردم	۴/۴
ماشین ام را فروختم	۳/۵
مسکن و مغازه و یا قطعه زمین ام را فروختم	۳
به اجراء گذاشته شدم	۱

جدول شماره ۷ - به نظر شما این مشکل را کدام حزب سیاسی بهتر می تواند حل کند

%	
۴۰/۲	حزب عدالت و توسعه
۱۴/۳	حزب جمهوری خلق
۵/۹	حزب حرکت ملی
۲/۹	حزب راه راست
۲/۳	حزب جوان
۱/۴	حزب سعادت
۱/۱	حزب مام میهن
۱/۰	حزب دموکراتیک مردم

یعنی اینکه حتی انتخاب کنندگانی به حزب عدالت و توسعه رای نداده‌اند به ظرفیت و توان حل مشکل حزب حاکم اعتماد داشته‌اند. حزب رقیب بزرگ یعنی حزب جمهوری خلق نیز یا کمتر از میزان رأی اخذ شده در انتخابات ۲۰۰۲ از طرف گروه انتخاب کنندگان برای حل مشکل مورد اعتماد قرار گرفته است. نکته قابل توجه این است که در آغاز سال ۲۰۰۱ هنوز حزب عدالت و توسعه که در مرحله تشکیل است شهروندان طیب اردوغان را به عنوان یک رهبر برای حل مشکل ارزیابی می‌کنند.

۲-۲-۶- ترجیح‌های حزبی انتخاب‌کنندگان در انتخابات سوم نوامبر ۲۰۰۲

در اینجا سعی می‌شود که به تحلیل تفصیلی ترجیح‌های حزبی انتخاب‌کنندگان در احزابی که در سوم نوامبر ۲۰۰۲، ۷٪ یا بیشتر رأی اخذ نموده‌اند تأکید گردد و بر احزاب دیگر تنها در صورت لزوم اشاره خواهد شد. می‌توان گفت که بین باور انتخاب‌کنندگان در خصوص قابلیت حل مشکل احزاب با میزان رأی دریافتی آن حزب در انتخابات فوق رابطه بسیار نزدیک وجود دارد. این نتیجه را در جدول شماره ۸ بخوبی می‌توان دید. آیا انتخاب‌کنندگان از ترجیح‌هایی که در صندوق‌های رأی انتخاب نمودند رضایت دارند؟ برای تأیید این پرسش از انتخاب‌کنندگان سوال شده است که اگر امروز انتخابات باشد باز هم به همان حزب رأی می‌دهید؟ که نشان داده شده است که ۷۲٪ ترجیح خود را تغییر نمی‌دهند. (جدول شماره ۹) انتخاب‌کنندگان احزاب عدالت و توسعه و جمهوری خلق که موفق شدند به مجلس راه یابند از ترجیح خود خیلی راضی و دیگری‌ها نیز نسبتاً کمتر راضی بوده‌اند. بویژه ۳۰٪ انتخاب‌کنندگان که به حزب راه راست رأی داده‌اند گفته‌اند که دیگر به این حزب رأی نمی‌دهیم و این نشانگر پیامی است که این حزب در آینده با مشکلات بزرگی مواجه خواهد بود. و ۷۸/۸٪ رأی دهندگان به حزب جوان که گفته‌اند دوباره به این حزب رأی می‌دهیم به بدین شکل قابل تفسیر است که این حزب در حیات سیاسی ترکیه گروه انتخاب‌کننده گانی را برای خود در حال شکل دادن است.

موضوع مهم دیگر این پرسش است که انتخاب‌کنندگان واقعاً ترجیح حزبی را از روی علاقه و آگاهانه انتخاب می‌کنند یا اینکه از روی بی‌تفاوتی انعکاس یک نگرش لحظه‌ای است.

جدول شماره ۸ - در انتخابات سوم نوامبر ۲۰۰۲ به کدام حزب‌ها رأی دادید.

٪	
۳۳/۶	حزب عدالت و توسعه
۱۸/۸	حزب جمهوری خلق
۸/۹	حزب حرکت ملی
۸/۶	حزب راه راست
۴/۷	حزب جوان
۳/۱	حزب سعادت
۳/۸	حزب مام میهن
۴/۷	حزب دموکراتیک مردم
۱/۵	حزب دموکراتیک چپ
۰/۹	حزب اتحاد بزرگ
۰/۸	حزب نوین ترکیه
۱۱/۱	رأی ندارم

جدول شماره ۹ - اگر امروز انتخابات باشد به حزبی که قبلاً رأی دادید باز هم رأی می‌دهید.

طرفداران حزب جوان	طرفداران حزب حرکت ملی	طرفداران حزب راه راست	طرفداران حزب جمهوری خلق	طرفداران حزب عدالت و توسعه	کل	
۷۸/۸	۸۱/۱	۶۳/۲	۸۱/۴	۹۰/۱	۷۲/۷	بلی می‌دهم
۱۹/۵	۱۶/۰	۳۰/۱	۱۴/۸	۵/۵	۱۲/۰	خیر نمی‌دهم
۱/۸	۳/۰	۶/۷	۴/۷	۴/۴	۱۵/۲	بدون پاسخ

جدول شماره ۱۰ - به حزب به لحاظ اینکه واقعاً خوب بود رأی دادید و یا اینکه در بین بدها خوب بود رأی دادید.

رأی دهندگان به حزب حرکت جوان	رأی دهندگان به حزب حرکت ملی	رأی دهندگان به حزب راه راست	رأی دهندگان به حزب جمهوری خلق	رأی دهندگان به حزب عدالت و توسعه	کل	
۴۰/۷	۶۵/۶	۴۷/۲	۴۹/۸	۷۱/۶	۵۳/۸	واقعاً به خوب بودن حزب اعتقاد دارم و بدان جهت رای دادم
۵۸/۴	۳۳/۱	۴۶/۶	۴۸/۹	۲۷/۲	۳۲/۴	بدان جهت رأی دادم که در بین احزاب بد خوب بود
۰/۹	۱/۳	۶/۲	۱	۱/۲	۱۵	بدون پاسخ

داده‌ها نشان می‌دهد که تنها ۵۳/۸٪ افراد به حزبی که رای داده است واقعاً به خوب بودن آن حزب اعتقاد دارد و ۳۲/۴٪ نیز به لحاظ اینکه در بین احزاب بد حزب خوب بوده است به آن حزب رای داده است. (جدول شماره ۱۰) این نسبت‌ها در حالی که برای احزاب جمهوری خلق و راه راست به نصف نزدیک است برای احزاب عدالت و توسعه و حرکت ملی اعتماد بالاتری را از طرف انتخاب‌کنندگان نشان می‌دهد. در اینجا به طور آشکار اشاره‌های تحلیل رفتن اعتماد مردم به احزاب سیاسی و نگرش‌های پارتیزانی انتخاب‌کنندگان دیده می‌شوند.

بدون تردید توضیح قابل اعتماد در رابطه با علت ترجیح حزب برای رأی دادن، اطلاعاتی است که متکی بر بیان خود انتخاب‌کنندگان می‌باشد. با توجه به داده‌های ارائه شده در جدول شماره ۱۱ مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده ترجیح‌های حزبی انتخاب‌کنندگان احساس نزدیکی کردن به فلسفه و ایدئولوژیکی حزب

تجزیه و تحلیل انتخابات سوم نوامبر ۲۰۰۲ کشور ترکیه

(۳۶/۸٪) عامل دوم نیز پذیرش و تأیید رهبران حزب است. (۱۳/۵٪) گویا هویت حزب و نگرش سیاسی که آن را نمایندگی می‌کند، و رهبران حزب که این هویت را در شخص خود نشان می‌دهند در توصیف رفتار انتخاب کنندگان ترک به عنوان دو عامل انتفادی قابل شناسایی است. اگر بین رهبران و هویت حزب یک رابطه مستقیم برقرار نباشد آن حزب یا موفق نبوده یا موفقیت آن محدود خواهد بود.

جدول شماره ۱۱- علت ترجیح حزبی که به آن رای داده‌اند

طرفداران حزب جوان	طرفداران حزب حرکت ملی	طرفداران حزب راه راست	طرفداران حزب جمهوری خلق	طرفداران حزب عدالت و توسعه	کل	
۷/۱	۷۱/۲	۳۶/۳	۵۷/۵	۲۷/۳	۳۶/۸	به علت اینکه فلسفه و ایدئولوژی حزب را به خود نزدیک دیدم
۴۲/۵	۷/۵	۱۴/۱	۶/۰	۲۲/۳	۱۳/۵	به علت اینکه رهبر حزب را قبول داشتم.
۲۹/۲	۶/۱	۷/۲	۱۳/۵	۱۸/۰	۱۱/۶	برای آزمایش و تجربه کردن
۱۰/۶	۳/۲	۵/۷	۵/۶	۱۸/۸	۱۰	به علت اینکه حزب را به مردم نزدیک دیدم
۱/۸	۱/۶	۸/۸	۷/۳	۳/۷	۴/۳	به علت اینکه نامزدان حزب را قبول داشتم
۰/۰	۳/۲	۷/۳	۱/۴	۳/۷	۳/۰	به علت اینکه اقدامات حزب را قبول داشتم
۵/۳	۴/۳	۱۲	۴/۹	۳/۵	۴/۵	به دلایل دیگر
۳/۵	۲/۹	۸/۶	۳/۸	۲/۵	۱۶/۵	بدون پاسخ

برای مثال با اینکه تأیید اکثریت انتخاب کنندگان حزب‌های حرکت ملی و جمهوری خلق بیان داشته‌اند فلسفه و ایدئولوژی حزب را برای خودشان نزدیک می‌بینند اما رهبران حزب را با ایدئولوژی و هویت حزب همسان ندیده‌اند. در مقابل برای احزاب عدالت و توسعه و جوان موقعیت متفاوت است. خصوصاً تفسیرها در مورد نقش با اهمیت رهبری کاریزمای طیب اردوغان در پیروزی حزب عدالت و توسعه در انتخابات نیز از طریق داده‌ها تأیید می‌گردد. $22/3\%$ رای دهندگان به حزب عدالت و توسعه، این حزب و رهبر آن را قبول داشته و $18/8\%$ نیز به علت اینکه این حزب را به مردم نزدیک دیده‌اند علت ترجیح بیان کرده‌اند. اما بیشترین سهمی که رهبر در موفقیت آن حزب داشته است حزب جوان می‌باشد. ($42/5\%$) به بیان دیگر در موفقیت احزاب عدالت و توسعه و جوان رهبران حزب نقش تعیین کننده داشته‌اند. در مقابل تأثیر رهبران احزاب حرکت ملی، جمهوری خلق، مام میهن در نتیجه انتخابات خیلی کم و یا اصلاً تأثیری نداشته‌اند. وقتی از این زاویه نگاه می‌شود می‌توان گفت که علت عدم توسعه آراء حزب جمهوری خلق و عدم ورود احزاب حرکت ملی، مام میهن و راه راست به مجلس در دوره فعالیت انتخابات رهبران این احزاب نتوانسته‌اند هویت حزب را در شخص خود تجلی نمایند.

۳-۲-۶- علل تغییر در ترجیح‌های انتخاب کنندگان

انتخابات سوم نوامبر ۲۰۰۲، کلیه احزابی را که در انتخابات سال ۱۹۹۹ با کسب 10% یا بیشتر توانسته بودند به مجلس ملی راه یابند تصفیه نموده و در حالی که حزب جدید التأسيس را (حزب عدالت و توسعه) به اقتدار سوق داده حزب دیگری را نیز (جمهوری خلق) که در دوره انتخابات قبلی نتوانسته بود به مجلس راه یابد به موقعیت اولین حزب رقیب درآورده است. یعنی در ترجیح‌های انتخاب کنندگان در بین دو انتخابات یک لغزش ترجیح چشمگیر بوجود آمده است. همان طوری که در آغاز این بررسی اشاره گردید در این انتخابات ضریب شناوری (جابه جایی) انتخاب کنندگان 54% است. به بیان دیگر 54% انتخاب کنندگان نسبت به انتخابات قبلی، رأی خود را تغییر داده‌اند. لغزش آراء بین احزاب در جدول شماره ۱۲ نشان داده شده است.

در اینجا تأکید بر چند نکته مفید خواهد بود. نخست انتخاب کنندگان حزب عدالت و توسعه را بطور قابل ملاحظه‌ای انتخاب کنندگان احزاب راست گرا از قبیل حرکت ملی ($25/9\%$) رفاه ($17/4\%$) مام میهن ($11/1\%$) و رأی دهندگان قبلی تشکیل داده است. حزب عدالت و توسعه در انتخابات ۲۰۰۲ توانسته است خصوصاً انتخابات کنندگانی را که در سال ۱۹۹۹ به احزاب رفاه، مام میهن و حرکت ملی رأی داده و از آنها خشنود نبوده‌اند به خود جلب نماید. پس می‌توان گفت که حزب عدالت و توسعه یک حزب با کف راست و محافظه کار می‌باشد.

جدول شماره ۱۲ - با توجه به انتخابات سال ۱۹۹۹ لغزش آراء بین احزاب

انتخاب کنندگان حزب جوان	انتخاب کنندگان حزب حرکت ملی	انتخاب کنندگان حزب راه راست	انتخاب کنندگان حزب جمهوری خلق	انتخاب کنندگان حزب عدالت و توسعه	کل انتخاب کنندگان	حزبی که در سال ۱۹۹۹ رای داده است
۱۷/۷	۶۶/۷	۷/۳	۳/۰	۲۵/۹	۱۶/۵	حزب حرکت ملی
۲۱/۲	۱/۳	۶/۲	۳۱/۱	۷/۷	۱۸/۷	حزب دموکراتیک چپ
۲۰/۴	۲/۷	۶/۷	۵/۴	۱۱/۱	۱۰/۱	حزب مام میهن
۲/۷	۰/۰	۱/۰	۳۲/۱	۱/۹	۸/۲	حزب جمهوری خلق
۱/۸	۱/۳	۰/۵	۰/۵	۱۷/۴	۱۱/۲	حزب رفاه
۷/۱	۲/۱	۶۱/۱	۲/۷	۷/۲	۱۰/۵	حزب راه راست
۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۵	۰/۴	۲/۵	حزب دموکراتیک مردم
۸/۸	۱۰/۱	۳/۶	۷/۳	۶/۷	۸/۴	انتخاب کننده نبودم
۱۴/۲	۱۰/۹	۵/۲	۹/۴	۱۳/۰	۱۰/۴	رای ندادم
۴/۵	۴/۱	۷/۲	۷/۴	۴/۶	۳/۵	بخاطر ندارم

حزب جمهوری خلق نیز که قبل از انتخابات سعی نموده است این تصور را ایجاد نماید که تنها حزب چپ خواهد بود که از سد عبور به مجلس خواهد گذشت موفق گشته و توانسته است قسمتی از آرای حزب دموکراتیک چپ را به خود جلب کند. اما موفقیت این حزب تنها در این حدود باقی مانده و نتوانسته است به کف آرای احزاب دیگر دست یابد. با توجه به این نتایج اصطلاح تعبیر «چپ آناطولی» به حزب جمهوری خلق برای انتخاب کنندگان محافظه کار منطقه آناطولی متقاعد کننده نبوده است.

در مورد حزب جوان که قبل از انتخابات ادعا شده بود که از کف انتخاب کنندگان احزاب حرکت ملی و راه راست به خود جلب می نماید بیشتر از انتخابات کنندگان احزاب دموکراتیک چپ و مام میهن که نسبتاً لائیک و لیبرال چپ بودند به خود جلب نمود. از طرف دیگر این حزب با بهره گیری از فنون برنامه ریزی و وسایل رسانه ای توانست افرادی را که در انتخابات قبلی رأی نمی دادند به نفع خود بسیج نماید. چونکه با توجه به داده ها سهم رأی نه دهندگان در درون کل آراء با نسبت ۱۴/۲٪ جلب توجه می نماید.

برای پرسش؛ چرا حزب قبلی خود را رها کردید؟ نزدیک به نصف (۴۹٪) آزمودنی ها بدون پاسخ گذاشته اند و در این مورد نخواستند نظری را بیان کنند در بین علل رها کردن حزب قبلی ۱۷٪ انتخاب کنندگان، بجا نیاوردن وعده ها، ۱۰/۸٪ منصرف شدن حزب از اصول اصلی خود و ۶/۸٪ نیز عدم قبولی رهبران حزب را به عنوان عوامل تعیین کننده بیان نموده اند.

با توجه به اینکه کف انتخاب کنندگان حزب عدالت و توسعه از احزاب متفاوت تشکیل شده است، علل رها نمودن انتخاب کنندگان و گرایش آنان به حزب عدالت و توسعه در سایه داده های جدول شماره ۱۳ قابل بررسی است. بر این اساس گرایش انتخاب کنندگان به حزب جدید التأسيس عدالت و توسعه و رها

نمودن حزب قبلی به لحاظ بجا نیاوردن وعده‌ها (۱۸٪) ، فاصله گرفتن از اصول اصلی (هویت حزب)، (۱۵/۷٪) و گسستن از مردم (۷/۸٪) بوده است. پاسخ‌های مشابه در مورد حزب جوان نیز صادق است. از اینها این نتیجه حاصل است که دیگر انتخاب کنندگان ترک به هر قیمتی هم باشد همیشه به یک حزب وفادار نمانده و ترجیح خود را بر اساس عقلانیت متکی می‌نماید. از طرف دیگر احزابی که تفکیک اصل «ما و دیگران» (دوست و دشمن) را که از طرف اشمیت (۱۹۷۵) بیان گردیده است از دست می‌دهند و نمی‌توانند از هویت حزب محافظت نموده انتخاب کنندگان خود را نیز از دست خواهند داد. حزب عدالت و توسعه نیز اگر این احساس انتخاب کنندگان ترک را درست درک نکنند در انتخابات آینده نهایتاً به چنین عاقبتی دچار خواهد شد.

جدول شماره ۱۳ - چرا به حزبی که در سال ۱۹۹۹ به آن رأی دادید رها نمودید؟

حزب قبلی	کل	انتخاب کنندگان حزب عدالت و توسعه	انتخاب کنندگان حزب جمهوری خلق	انتخاب کنندگان حزب راه راست	انتخاب کنندگان حزب حرکت ملی	انتخاب کنندگان حزب بهران
به علت اینکه از اصول اساسی منصرف شده بود	۱۰/۸	۱۵/۷	۱۱/۶	۵/۷	۳/۵	۱۲/۴
به علت اینکه رهبر را قبول نداشتیم	۶/۸	۸/۷	۹/۵	۲/۱	۲/۱	۱۵/۹
به علت اینکه به وعده‌های داده شده عمل نمی‌کرد	۱۷/۵	۲۸/۰	۱۳/۳	۱۴/۵	۵/۶	۲۸/۳
به علت اینکه به اتحادهای ناخواسته وارد می‌شد	۲/۱	۳/۶	۱/۷	۱۰/۶	۱/۵	۲/۷
به علت اینکه از مردم گسسته شده بود	۴/۵	۷/۸	۴/۴	۰/۵	۱/۱	۸/۸
به علت اینکه به انتخاب کنندگان خود محل نمی‌گذاشت	۲/۴	۳/۰	۲/۲	۳/۱	۲/۴	۴/۴
به علل دیگر	۷/۰	۹/۸	۴/۹	۵/۲	۵/۶	۴/۴
بدون پاسخ	۴۹/۱	۲۳	۵۲/۴	۶۷/۴	۸۰	۲۳

۴-۲-۶- نگرش‌های ایدئولوژیکی، ارزش‌های اجتماعی و ترجیح‌های حزبی

رابطه بین اقدامات روانشناسی اجتماعی انتخاب کنندگان با ترجیح‌های حزبی مدت‌هاست که بویژه از طرف مکتب میسگان مورد تأکید قرار می‌گیرد. بطور خلاصه انتخاب کنندگان در پیوستار سیاسی چپ - راست خود را در چه وضعیتی قرار دادن و کسب آرای احزاب یک رابطه مستقیم وجود دارد. به‌طوری که بعضی بررسی‌ها در روی انتخاب کنندگان ترک نیز نشان می‌دهد افرادی که خود را چپ‌گرا حس می‌کنند در کل به احزاب چپ و کسانی که خود را راست‌گرا حس می‌کنند به احزاب راست رأی می‌دهند.^(۳۸) در انتخابات سوم نوامبر ۲۰۰۲ رابطه بین ارزش‌های ایدئولوژیکی و ترجیح‌های حزبی در جدول شماره ۱۴ نشان داده شده است. با یک دید کلی نگرش‌های ایدئولوژیکی انتخاب کنندگان ترک بیشتر در میانه روی متمرکز شده و آنهایی که خود را در چپ افراطی (۴٪) و یا راست افراطی (۶/۸٪) می‌بینند در یک نسبت خیلی پایین نشان داده می‌شوند. با این همه در بین انتخاب کنندگان آنهایی که خود را در راست میانه رو می‌بینند (۲۳/۵٪) نسبت به آنانی که خود را در چپ میانه رو (۱۵٪) می‌بینند بیشتر است. از طرف دیگر یک قشر قابل توجهی انتخاب کننده نیز (۲۵/۸٪) خود را نه راست و نه چپ معرفی می‌نمایند. اینها اگرچه از لحاظ ایدئولوژیکی مستقل باشند اما از لحاظ نتایج انتخابات یک قدرت تعیین کننده توصیف می‌شوند. اگر از منظر احزاب نگاه کنیم انتخاب کنندگان حزب عدالت و توسعه را ۳۶/۷٪ از قشر راست میانه رو و حدوداً ۳۰٪ را نیز قشر میانه رو تشکیل می‌دهند. و حزبی که در کف آرای خود بیشترین نسبت انتخاب کنندگان راست میانه رو را نمایندگی می‌کند حزب راه راست است. حزب جمهوری خلق نیز با اکثریت آراء انتخاب کنندگان که خود را چپ میانه رو (۵۰/۶٪) معرفی می‌کنند به خود اختصاص می‌دهد. حزب جوان از بین انتخاب کنندگان ۴۳/۴٪ از قشر کاملاً میانه رو و ۱۵/۹٪ نیز راست میانه را تشکیل می‌دهد. بطور خلاصه نگرش‌های ایدئولوژیکی چپ - راست انتخاب کنندگان ترجیح‌های حزبی آنها را تحت تأثیر قرار داده اما لغزش آراء در بین بلوک راست و چپ خیلی محدود مانده است.

جدول شماره ۱۴ - نگرش‌های ایدئولوژیکی انتخاب کنندگان و ترجیح‌های حزبی

حزب قبلی	کل انتخاب کنندگان	انتخاب کنندگان حزب عدالت و توسعه	انتخاب کنندگان حزب جمهوری خلق	انتخاب کنندگان حزب راه راست	انتخاب کنندگان حزب حرکت ملی	انتخاب کنندگان حزب بهران
چپ افراطی هستم	۴/۰	۰/۴	۷/۳	۱/۰	۰/۶	۱/۸
چپ میانه رو هستم	۱۵/۰	۱/۹	۵۰/۶	۲/۱	۲/۶	۳/۵
نه چپ نه راست کاملاً میانه رو هستم	۲۵/۸	۲۹/۷	۲۲/۵	۲۲/۸	۱۶/۳	۴۳/۴
راست میانه رو هستم	۲۳/۵	۳۶/۷	۲/۳	۴۹/۲	۳۶/۲	۱۵/۹
راست افراطی هستم	۶/۸	۵/۵	۰/۲	۵/۲	۳۱/۲	۱/۰
هیچکدام نیستم	۲۳/۳	۲۵/۱	۱۶/۳	۱۹/۷	۱۲/۵	۳۲/۵

جدول شماره ۱۵ - ارزش‌های اجتماعی انتخاب کنندگان و ترجیح‌های حزبی

حزب قبلی	کل انتخاب کنندگان	انتخاب کنندگان حزب عدالت و توسعه	انتخاب کنندگان حزب جمهوری خلق	انتخاب کنندگان حزب راه راست	انتخاب کنندگان حزب حرکت ملی	انتخاب کنندگان حزب بهران
ارزش‌های ملی	۲۲/۷	۱۶/۵	۳۲/۶	۴۸/۰	۴۸/۰	۲۵/۷
ارزش‌های دینی	۲۷/۸	۴۰/۱	۱۲/۵	۲۱/۰	۲۱/۰	۱۱/۵
ارزش‌های اخلاقی و آداب و رسوم	۱۰/۰	۱۱/۵	۱۹/۲	۱۱/۱	۱۱/۱	۱۹/۵
حقوق بشر و دموکراسی	۲۵/۸	۲۳/۸	۲۵/۰	۴/۳	۴/۳	۲۴/۸
لاییک	۱۰/۰	۴/۹	۷/۸	۱۰/۳	۱۰/۳	۱۳/۳
آزادی‌های فردی	۲/۴	۲/۲	۳/۵	۱/۳	۱/۳	۵/۳

بررسی ارزش‌های اجتماعی انتخاب کنندگان و رابطه آن با ترجیح‌های حزبی نیز برای ما هم از لحاظ آگاهی اینکه احزاب از کدام قشر آراء کسب نموده و هم از لحاظ تثبیت هویت سیاسی احزاب سرخ‌های مهمی را فراهم می‌نماید.

با توجه به داده‌ها اولین چیزی که جلب توجه می‌نماید این است که بطور کلی قشر قابل ملاحظه‌های از انتخاب کنندگان ترک به ارزش‌هایی که بطور خلاصه ملی‌گرا - محافظه کار گفته می‌شود گرایش و توجه دارند. به طوری که جمع افرادی که ارزش‌های ملی (۲۲/۷٪)، دینی (۲۷/۸٪) و اخلاقی (۱۰٪) را با اهمیت دیده‌اند به ۶۰٪ رسیده است. در گروه دوم نیز حقوق بشر و دموکراسی (۲۵/۸٪) با لاییک بودن (۱۰٪) قرار می‌گیرند. (جدول شماره ۱۵)

اگر به احزاب بطور تک تک نگریده شود حزب عدالت و توسعه در ارزش‌های دینی، حزب جمهوری خلق در ارزش‌های حقوق بشر و لاییک بودن، حزب راه راست در ارزش‌های ملی و آداب و رسوم پیش رو بوده و در مقابل در حزب جوان از کلیه ارزش‌ها، مقداری وجود دارد. بطور خلاصه وقتی از لحاظ ارزش‌های انتخاب کنندگان نگاه می‌شود حزب عدالت و توسعه به‌عنوان حزب پیرامون با نمایندگی ارزش‌های محافظه کارانه و حزب جمهوری خلق به‌عنوان حزب مرکز با نمایندگی ارزش‌های حقوق بشر و دموکراسی که ارزش‌های اساسی گروه چپ است توصیف می‌شوند.

در اینجا یک موضوع مهم دیگر حساسیت‌های دینی انتخاب کنندگان در رأی دادن است. در رفتار انتخاب کنندگان دین در یک جایگاه بسیار مهم قرار دارد. جمع افرادی که به ارزش‌های دینی و اخلاقی اهمیت قایل هستند حدوداً ۴۰٪ بوده است. این نسبت بویژه در بین انتخاب کنندگان حزب عدالت و توسعه به میزان قابل توجهی بالا بوده است. به بیان دیگر می‌توان گفت که در پیروزی حزب عدالت و توسعه عامل دین بطور پوشیده نقش بسیار تعیین کننده ایفا نموده است. شخصیت و گذشته رهبر طیب

اردوغان که به پاکیزگی و درستی آن اعتماد شده و انجام تفکیک «ما - دیگران» و هویت سازی حزب عدالت و توسعه، هم ذهنی و همدلی نقش مهمی را ایفا نموده است.^(۳۹)

۵-۲-۶- هویت انتخاب کنندگان و ترجیح‌های حزبی

در بررسی بین چگونگی تعریف انتخاب کنندگان از خود و ترجیح‌های حزبی نتایج جالب توجه مشاهده می‌شود. انتخاب کنندگان در تعریف خود مهم‌ترین صفاتی که برای خود بکار برده‌اند عبارت است از: ترک بودن، مسلمان بودن، طرفدار آتاترک بودن، معاصر بودن.

در انتخاب کنندگان حزب عدالت و توسعه هویت مسلمان بودن در اولویت اول و بعد از آن نیز هویت ترک بودن می‌آید. در انتخاب کنندگان حزب جمهوری خلق هویت طرفدار آتاترک بودن و ترک بودن و در انتخاب کنندگان حزب جوان هویت‌های ترک بودن و طرفدار آتاترک بودن بیشتر نمایان است.

در حیات سیاسی ترکیه یکی از موضوعاتی که مدت‌هاست بر روی آن بحث و مناقشه وجود دارد لزوم جایگاه ترکیه در جهان است. وقتی از این باب، به رفتار انتخاب کنندگان نگاه شود آنهایی که می‌گویند ترکیه باید قسمتی از دنیای ترک باشد در اولویت نخست قرار دارد بعد از آن به ترتیب اروپائی شدن و دنیای اسلام می‌آیند. در انتخاب کنندگان حزب عدالت و توسعه با توجه به میانگین انتخاب کنندگان اندیشه تعلق داشتن به دنیای اسلامیت از بقیه احزاب بیشتر بوده و در حزب جمهوری خلق اندیشه قسمتی از اروپا بودن و در حزب حرکتی ملی و مقداری هم در حزب جوان اندیشه تعلق داشتن به دنیای ترک نمایان است. در راستای انتخابات سوم نوامبر ۲۰۰۲ احتمال تأثیر بر ترجیح‌های حزبی انتخاب کنندگان که قبل و بعد از انتخابات مورد مناقشه بود موضوع عضویت ترکیه در اتحادیه اروپاست. به طوری که در رأس علل اتخاذ تصمیم به انتخابات زودرس سوم نوامبر به ائتلاف افتادن حکومت ائتلافی وقت بر سر موضوعات اصلاحات مربوط به عضویت در اتحادیه اروپا می‌آید. روابط با اتحادیه اروپا بلکه هم هیچ موقع تا قبل انتخابات سوم نوامبر ۲۰۰۲ و در فرآیند انتخابات به این شدت نزد افکار عمومی ترکیه مورد بحث قرار نگرفته است. بطور کلی قسمت اعظم انتخاب کنندگان (۵۶/۲٪) از عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا را بدون قید و شرط حمایت نموده و تنها ۱۱/۵٪ بطور مطلق مخالف هستند. بعضی‌ها در این اندیشه هستند که پیوستن به اتحادیه اروپا هم مفید و هم مضر خواهد بود. حزب جمهوری خلق از بیشترین موافق (۷۰/۵٪) و حزب حرکت ملی از بیشترین مخالف (۲۵٪) عضویت در اتحادیه اروپا بوده‌اند. قابل ذکر است که میزان مخالفین انتخاب کنندگان حزب حرکت ملی در انتخاب کنندگان این حزب فقط ۲۵٪ بوده است. استراتژی انتخابات حزب حرکت ملی که مقابله با عضویت در اتحادیه اروپا بوده است احتمالاً در کاهش آراء این استراتژی بی‌تأثیر نباشد.

جدول شماره ۱۶- هویت‌های سیاسی و ترجیح‌های حزبی

انتخاب کنندگان حزب جوان	انتخاب کنندگان حزب جمهوری خلق	انتخاب کنندگان حزب عدالت و توسعه	کل انتخاب کنندگان	
۹۰/۲	۶۰/۷	۸۰/۱	۷۰/۱	ترک هستم
۶۵/۵	۳۸/۰	۸۸/۳	۶۸/۰	مسلمان هستم
۱۵/۹	۴۲/۲	۱۸/۱	۲۳/۵	معاصر هستم
۴۴/۲	۶۷/۰	۱۷/۷	۳۲/۵	طرفدار آتاترک هستم
۳۶/۲	۲۵/۷	۳۰/۰	۲۵/۰	شهروند هستم (هم وطن)
۱۰/۰	۲۸/۵	۱۳/۵	۱۹/۱	دموکرات هستم

جدول شماره ۱۷- نقطه نظرها در مورد جایگاه ترکیه در جهان

انتخاب کنندگان حزب جوان	انتخاب کنندگان حزب حرکت ملی	انتخاب کنندگان حزب راه راست	انتخاب کنندگان حزب جمهوری خلق	انتخاب کنندگان حزب عدالت و توسعه	کل انتخاب کنندگان	
۵۱/۳	۷۰/۰	۴۲/۰	۳۰/۱	۲۹/۰	۳۸/۱	ترکیه قسمتی از دنایای ترک است
۲۳/۰	۱۳/۰	۳۰/۱	۵۱/۶	۲۰/۵	۲۹/۱	ترکیه یک قسمتی از اروپاست
۷/۱	۱۲/۰	۱۴/۵	۵/۶	۳۶/۷	۱۷/۷	ترکیه یک قسمتی از دنایای اسلام است
۱۸/۶	۵/۵	۱۲/۳	۱۰/۷	۱۲/۳	۱۲/۶	نظری ندارم
آیا ترکیه باید عضو اتحادیه اروپا شود؟						
۴۲/۵	۳۲/۶	۶۸/۴	۷۰/۵	۵۹/۴	۵۶/۲	- بلی
۲۲/۱	۲۵/۰	۶/۲	۷/۰	۸/۴	۱۱/۵	- خیر
۳۲/۰	۴۲/۴	۲۵/۴	۲۲/۱	۳۱/۲	۳۰/۵	- از بعضی جهت بلی و بعضی جهت خیر

عضویت در اتحادیه اروپا هم از طرف قسمت عمده انتخاب کنندگان حزب حرکت ملی (۳۲/۶٪) و اکثریت مردم ترکیه برای آینده ترکیه از لحاظ رسیدن به رفاه و ثروت به‌عنوان یک در امید دیده می‌شود.

۶-۲-۶- ویژگی‌های اقتصادی - اجتماعی و ترجیح حزب

بررسی ویژگی‌های اقتصادی - اجتماعی کف حزب برای شناخت و درک ریشه‌های اجتماعی حزب مفید است. از لحاظ ویژگی‌های جمعیت‌شناسی برای تفکیک کف‌های حزب یکی از عوامل مؤثر سطح

آموزش انتخاب کنندگان است. در اینجا نکته‌ای که قابل تأکید است این است که با افزایش سطح آموزش در انتخاب کنندگان گرایش به حزب جمهوری خلق نیز افزایش یافته است. در مقایسه با کل انتخاب کنندگان سطح آموزش انتخاب کنندگان حزب عدالت و توسعه در بین فارغ‌التحصیلان ابتدایی و راهنمایی بیشتری در مقابل در بین فارغ‌التحصیلان آموزش عالی کمترین نمایندگی را (حمایت را) داشته است. انتخاب کنندگان حزب جمهوری خلق نیز بیشتر از طرف افراد با سطح آموزش بالا بویژه از طرف فارغ‌التحصیلان دانشگاهی نمایندگی (حمایت) شده است. بیشترین تعداد با سطح آموزش ابتدایی در حزبهای جوان (۲۵/۶٪) و راه راست (۲۴/۴٪) بوده‌اند. از لحاظ ویژگی‌های گروه سنی حزب عدالت و توسعه را انتخاب کنندگان با گروه سنی ۲۵-۴۴ و حزب جمهوری خلق را گروه سنی ۴۴ و بالا و حزب جوان را گروه سنی ۲۵-۳۴ و حزب حرکت ملی در گروه سنی ۲۴-۱۸ و حزب راه راست ۵۵ و بالا نمایندگی یا حمایت می‌کنند. از لحاظ گروه‌های درآمدی حزب عدالت و توسعه با گروه درآمدی حداقل حقوق دستمزد (۴۵۰-۲۵۰ میلیون لیر) حزب جمهوری خلق با کف درآمد ۲۵۰ میلیون لیر گروه‌های درآمد بالاتر، حزب راه راست با درآمد ۴۵۰ میلیون لیر و بالاتر بیشتر مورد حمایت می‌شوند. در حزب حرکت ملی از یک گروه درآمدی خاص تمرکز مشاهده نشده و حزب جوان بیشتر از گروه‌های درآمدی پایین دارای حمایت بودند.

جدول شماره ۱۸ - وضعیت آموزش، سن، درآمد و ترجیح حزبی انتخاب کنندگان

خواندن و نوشتن	کل انتخاب کنندگان	انتخاب کنندگان حزب عدالت و توسعه	انتخاب کنندگان حزب جمهوری خلق	انتخاب کنندگان حزب راه راست	انتخاب کنندگان حزب حرکت ملی	انتخاب کنندگان حزب بهران
۱/۳	۱/۳	۱/۹	۰/۹	۲/۶	۱/۳	۰/۹
فارغ‌التحصیلان دوره ابتدایی	۱۵/۷	۲۰/۵	۱۰/۶	۲۴/۴	۱۶/۵	۲۵/۷
فارغ‌التحصیلان دوره راهنمایی	۹/۸	۱۰/۳	۸/۰	۱۳/۰	۸/۵	۱۵/۹
فارغ‌التحصیلان دوره دبیرستان	۴۲/۲	۴۱/۲	۴۴/۴	۳۵/۲	۴۲/۹	۳۹/۸
فارغ‌التحصیلان دانشگاه	۳۰/۹	۲۵/۸	۳۵/۴	۲۴/۹	۳۱/۲	۱۷/۷
گروه سنی						
بین سنین ۱۸-۲۴	۳۱/۴	۲۷/۷	۲۵/۹	۱۸/۷	۳۶/۰	۲۴/۸
بین سنین ۲۴-۳۴	۲۶/۶	۲۸/۳	۲۵/۹	۲۱/۸	۲۱/۳	۳۲/۷
بین سنین ۳۴-۴۴	۲۳/۲	۲۲/۱	۲۴/۸	۲۸/۰	۲۴/۳	۲۳/۰
بین سنین ۴۴-۵۴	۱۳/۱	۱۲/۳	۱۶/۶	۲۰/۲	۱۳/۹	۱۶/۸
بین سنین ۵۵ و بالا	۵/۸	۹/۶	۶/۷	۱۱/۴	۴/۵	۲/۷

گروه درآمدی						
۲۵/۱	۲۲/۳	۲۰/۹	۲۲/۵	۲۳/۲	۲۲/۵	دارای درآمد مستمر نیستم
۱۰/۳	۹/۳	۸/۱	۷/۵	۸/۵	۹/۶	با حداقل حقوق دستمزد کارمی کنم
۱۷/۷	۱۸/۷	۱۵/۰	۱۸/۰	۲۰/۱	۱۷/۶	دارای درآمد ۴۵۰- ۲۵۰ میلیون لیر
۱۴/۲	۱۴/۹	۲۰/۲	۱۹/۴	۱۶/۶	۱۶/۵	دارای درآمد ۶۰۰- ۴۵۰ میلیون لیر
۱۴/۳	۱۲/۵	۱۵/۰	۱۴/۴	۱۲	۱۲/۵	دارای درآمد ۸۰۰- ۶۰۰ میلیون لیر
۱/۸	۶/۹	۶/۷	۶/۹	۴/۲	۵/۵	بیشتر از یک میلیارد لیر
۱/۸	۱۴/۴	۱۴/۰	۹/۲	۱۳/۸	۱۵/۷	بدون پاسخ

۷-۲-۶- انتظارات از مجلس

بعد از انتخابات سوم نوامبر ۲۰۰۲ مجلس دوباره شکل گرفت و با توجه به انتخابات فوق مردم از این مجلس طلب و انتظاراتی داشتند. و به مفهومی این انتظارات علل واقعی نتایج انتخابات سوم نوامبر بود.

جدول شماره ۱۹- انتظارات از مجلس ملی برای حل مسائل

انتخاب کنندگان	انتخاب کنندگان حزب حرکت ملی	انتخاب کنندگان حزب راه راست	انتخاب کنندگان حزب جمهوری خلق	انتخاب کنندگان حزب عدالت و توسعه	کل انتخاب کنندگان	
۲۳	۳۳/۳	۲۸/۵	۳۷/۲	۳۰/۶	۳۵/۳	مبارزه با فساد و رشوه
۶۲/۸	۴۴/۰	۵۱/۸	۴۲	۴۲/۳	۴۱/۷	اصلاح نظام اقتصادی
۲/۷	۲/۵	۴/۱	۶/۳	۲/۸	۴/۹	آزادی (ایجاد فضای باز سیاسی)
۳/۵	۱۰/۰	۲/۱	۳/۰	۱۵/۳	۵/۹	رفع موانع جلو دین و آزادی اندیشه
۳/۵	۳/۵	۵/۲	۵/۶	۳/۵	۴/۳	حل مسائل آموزشی و بهداشت
۰/۹	۲/۷	۵/۲	۴/۴	۳/۶	۳/۹	توسعه روابط با اتحاد اروپا
۳/۵	۳/۲	۳/۲	۱/۳	۱/۲	۲/۱	موضوعات دیگر

با توجه به داده‌های جدول شماره ۱۹- مهم‌ترین انتظارات مردم از مجلس و (بطور غیر مستقیم از حزب حاکم) اصلاح نظام اقتصادی (۴۱/۷٪) در اولویت اول و در دومین اولویت مبارزه و تدابیر برای فساد و رشوه (۳۵/۳٪) قرار می‌گیرد و اولویت دادن به رفع موانع جلو دین و آزادی اندیشه و فضای باز سیاسی بیش از ۱۰٪ نمی‌باشد.

با توجه به جدول فوق موفقیت و عدم موفقیت حکومت حزب عدالت و توسعه نخست بستگی به عملکرد این حاکمیت در روند اقتصاد، مبارزه با فساد و رشوه و رفع موانع در جلو دین و آزادی اندیشه ارزیابی خواهد شد.

بحث و نتیجه‌گیری

یک سال قبل از انتخابات سوم نوامبر سال ۲۰۰۲ هیچ یک از احزاب باور نمی‌کردند که در انتخابات آینده فقط دو حزب بتواند پیروز انتخابات شود. اعتقاد عمومی بر این بود که نتیجه انتخابات شکلی خواهد بود که با چند حزب یک حکومت ائتلافی تشکیل می‌گردد^(۴۰) حال در شب سوم نوامبر ۲۰۰۲ شمارش آراء صندوق‌ها بطور غیره منتظره صحنه‌ای را به نمایش گذاشت که بعد از ۴۲ سال مجدداً در ترکیه یک مجلس ملی دو حزبی و متأثر از آن حکومتی با چنان اقتداری که تشکیل شود که حتی قدرت تغییر قانون اساسی را نیز داشته باشد. در فرآیند اتخاذ تصمیم انتخاب کنندگان به این نتیجه چه عواملی نقش ایفا نمودند.

همینطور زلزله سیاسی بوجود آمده و اصطلاحاً کودتای مردم به وسیله صندوق‌های رأی چگونه تعبیر و تفسیر می‌شوند؟

• بعضی‌ها این وضع را انعکاس عقده یک اکثریت سرکوب و طرد شده می‌دانند (که در سال‌های ۱۹۹۹ با بحران اقتصادی و سیاسی عمیق‌تر نیز گشت) که به وسیله انفجار صندوق‌های رأی پاسخ داده شد.

• بعضی‌ها نیز بر این عقیده بودند که بحران هویت احزاب سیاسی ناشی از فشار همسان‌سازی فرآیند جهانی شدن باعث از دست دادن آرای این احزاب گردید.

• عده‌ای دیگر بر عدم توانایی و پاسخگویی حزب رفاه به انتظارات معاصر و محیط پیرامون محافظه کارانه و امید تحقق و انتقال آن به محیط میانه رو توسط حزب عدالت و توسعه معتقد بودند.

• عده‌ای دیگر بر تصفیه رهبران حزب‌ها بوسیله انتخاب گندگان معتقد بودند که به‌علل آلودگی بر فساد و رشوه صداقت و پاکیزگی را از دست داد. و اعتماد به آنها سلب شده بود.

• و نهایتاً بعضی‌ها نیز بر موفقیت رهبری کاریزماتیک طیب اردوغان در همفکری و همدلی با مردم تأکید نموده‌اند. واقعیت امر این است که عوامل فوق کم و بیش و به نسبت متفاوت در نتایج انتخابات مؤثر بوده است. ما در اینجا در چارچوب اخلاق علمی و در پرتو اطلاعات موجود به بعضی تفسیرها و ارزیابی‌ها اکتفا می‌کنیم.

مهم‌ترین انعکاس انتخابات فوق بر نظام سیاسی این است که به نظام حاکم ۱۹۹۰ با اداره احزاب پراکنده پایان داده و به دوره حاکمیت نظام دو حزبی که از لحاظ استقرار سیاسی و مبارزه با بحران حائز اهمیت است تبدیل گردید. ساختار بوجود آمده با محوریت دو حزب این ادعا را تأیید می‌کند که از دوره تنظیمات^۱ تا به امروز هنوز تنوع فرهنگی در تشکیل حیات سیاسی ترکیه نقش پویا ایفا می‌نماید. در این زمینه اگر بیان شود که استمرار رفتار انتخاب کنندگان و تنوع فرهنگی - اجتماعی طولانی مدت ملت ترک برای فراهم ساختن استقرار حیات سیاسی ترکیه با انتخابات سوم نوامبر ۲۰۰۲ مجدداً مطرح و حیات پیدا کرده است بی‌راه نگفته‌ایم.

در اینجا به این نکته هم بایستی اشاره کرد که نمی‌توان گفت که حزب عدالت و توسعه از لحاظ ساختار ایدئولوژیکی و ذهنی با احزاب دموکرات، عدالت، مام میهن همسان است یا اینکه حزب جمهوری خلق همان حزبی است که در سال ۱۹۵۰ بوده است. امام بدون تردید از لحاظ منبع و مأخذ ایدئولوژی و فکری و مناطق جغرافیایی اخذ آرا و گروه‌های اجتماعی حزب عدالت و توسعه وارث آداب و رسوم حزب دموکرات و حزب جمهوری خلق وارث همان حزب در دهه ۱۹۵۰ می‌باشند.

در این مفهوم بر عکس اینکه گمان می‌رفت که فرهنگ راست میانه رو و چپ میانه رو در دهه ۱۹۸۰ ضعیف و در دهه ۱۹۹۰ پراکنده گشته‌اند اما می‌توان گفت که با انتخابات سوم نوامبر ۲۰۰۲ مجدداً در پیرامون مسائل و عوامل جدید مجدداً احیا شده و با جبهه بندی جدیدی حضور پیدا کرده‌اند. اما در نگاه به پنجاه سال اخیر جبهه‌بندی انتخاب کنندگان راست و چپ، می‌بینیم که هر دو گروه از لحاظ حمایت انتخاب کنندگان بسیار ضعیف مانده است. بطوری‌که در دهه ۱۹۵۰ نسبت آراء بزرگترین دو حزب مجلس ملی به ۹۰ درصد می‌رسید در حالی که در انتخابات سوم نوامبر ۲۰۰۲ این نسبت در حدود ۵۵ درصد مانده است.

این حالت ضعیف در دو حزب موجود ماندگار خواهد بود یا نه یا به قدرت قدیمی خود بر خواهد گشت یا نه به ارائه عملکرد احزاب بستگی دارد و در انتخابات آتی روشن خواهد شد. مناقشه عوامل مؤثر اجتماعی که حزب عدالت و توسعه را گسترش و توسعه داده است همچنان ادامه دارد.

در این زمینه در بین مهم‌ترین یافته‌هایی که به بررسی مان انعکاس شده است عبارتند از:

۱. تأکید بر ارزش‌های محافظه کارانه (ذهنی - فرهنگی) که هنوز در جامعه ملت ترک اهمیت دارد.
۲. روابط گرم و صمیمی (هم احساسی) با مردم
۳. پیام‌های سیاسی با محوریت «جامعه» و «انسان» مبنی بر حل مسائل از قبیل بحران اقتصادی، فساد و رشوه که اکثریت جامعه از وجود آنها رنج می‌برند.
۴. تأکید بر هویت اسلامی برای پیشرفت و توسعه جامعه

۱- در سال ۱۸۳۹ در دوره حکومت عثمانی برای مدرنیزه کردن تشکیلات دولتی اصلاحاتی انجام داده شد که به آن فرمان تنظیمات (Tanzimat) گفته می‌شود.

۵. ایجاد باور مبنی بر وجود یک رهبر و مدیریت جوان و پویا و سالم و قابل اعتماد در حزب در مورد حزب جمهوری خلق هر چند که به علت قرار گرفتن در جایگاه دومین حزب بزرگ در ظاهر موفق نشان داده می‌شود اما با توجه به گسترش فقر و مبارزه علیه آن ایجاد بستر مناسب اجتماعی و سیاسی برای موفقیت احزاب سوسیال دموکرات، می‌توان گفت که کسب آرای در حدود ۱۹ درصد کمتر از مورد انتظار بوده است.

با توجه به داده‌های موجود مهم‌ترین انگیزه انتخاب کنندگان در رأی دادن به حزب جمهوری خلق ایدئولوژیک است. قابل فهم است که در جبهه‌بندی چپ - راست آنانی که خود را چپ‌گرا می‌بینند حزب جمهوری خلق را به علت بزرگترین حزب چپ‌گرا بودن حمایت نموده‌اند.

بعلاوه افراد و یا گروه‌هایی که به ارزش‌هایی از قبیل سکولاریسم، آتاترک‌گرایی، اروپایی شدن، آزادی و حقوق بشر را در اولویت قرار می‌دهند یا آنها را جزئی از هویت و طرز زندگی می‌بینند حزب جمهوری خلق را ترجیح داده‌اند. از لحاظ نمودهای طبقه‌بندی اجتماعی از قبیل سن، آموزش و درآمد نیز حزب جمهوری خلق از قشرهای آموزش دیده و نسبتاً مسن مورد حمایت قرار گرفته است. در حالی که جوانان بیکار و فقرا که از بحران اقتصادی بیشتری آسیب پذیرها بودند عمدتاً به احزاب عدالت و توسعه و جوان رأی داده‌اند. وقتی به این داده‌ها و نمایندگی احزاب در جغرافیای کشور نگاه کنیم، ملاحظه می‌شود که حزب جمهوری خلق در پیام سیاسی و یا شعار تبلیغاتی انتخابات با عنوان «چپ آناتولی» نیز موفق نبوده است. در بین احزابی که در انتخابات افزایش نسبی قدرت کسب نموده‌اند یکی حزب دموکراتیک خلق و دیگری نیز حزب جوان بوده است. تلاش حزب دموکراتیک خلق قبل از انتخابات سوم نوامبر ۲۰۰۲ برای روابط با احزاب رسمی دیگر خیلی محدود ماند و به علت کسب زیر ۱۰ درصد آراء نتوانست به مجلس راه یابد. در مورد حزب جوان می‌توان گفت که این حزب با توجه به اینکه برای نخستین بار به انتخابات شرکت می‌نمود ولی کسب آرای در حدود ۷٪ برای آن حزب یک موفقیت محسوب می‌شود. با توجه به داده‌ها کف آراء حزب جوان نشانگر این است که در این حزب قشر انتخاب کنندگان نامتجانس^۱ هستند. به طوری که در این حزب نسل جوان وجود دارد. نمایندگان نسل میانسال ملی‌گرا برای واکنش بر احزاب دموکراتیک چپ، حرکت ملی، و حتی راه راست که از عملکرد آن احزاب ناراضی بوده‌اند به حزب جوان گرایش پیدا نموده‌اند. بی تردید در موفقیت حزب جوان تأثیر میتینگ رهبر جوان حزب جم اوزان^۲ در میادین انتخابات بر علیه آمریکا و اروپا کمتر نبوده است. بطوری که ۴۲٪ انتخاب کنندگان حزب جوان بیان نموده‌اند به علت اینکه رهبر حزب را قبول داشته و ۳۰٪ نیز برای تجربه نمودن به این حزب رأی داده‌اند. داده‌ها نشانگر این است که حزب جوان در عرصه سیاسی برای خود در حدود ۵٪ کف انتخاب کننده تشکیل داده است و با گام‌های مشخصی که در جهت کادرسازی و نهادینه شدن بعد از

1- Heterogeneous

2- Cem uzan

انتخابات بر داشته و همچنین در فعالیت‌های انتخاباتی، تبلیغات علیه بحران نشانگر اشاره‌هایی است که این حزب در سیاست ترکیه نه تنها موقتی نبوده بلکه مانده گار نیز می‌باشد. با توجه به یافته‌های بررسی در رأس علل شکست احزاب در انتخابات عوامل زیر نقش اساسی داشته‌اند:

- عدم اجرای وعده‌های داده شده
 - منصرف شدن از اصول اساسی حزب
 - عدم موفقیت رهبران و فاصله گرفتن حزب از مردم
- انتخاب کنندگان هم سیاست‌های حزب و عملکرد رهبران را ناکافی دیده و هم به پشت کردن هویت حزب که بر روش اصول اساسی احزاب رشد یافته‌اند واکنش نشان می‌دهند. به عبارت دیگر در عرصه سیاسی احزابی که تفکیک «ما و دیگران» را فراموش کرده و بنام سیاست تفاهم جسارت نشان دادن رسالت خود را ندارند و از دستور کار مردم فاصله گرفته و دستور کار دیگران را تعقیب می‌نمایند مورد مجازات قرار می‌گیرند. در اینجا مشکلات رهبران و احزاب فشارهای حاصل از فرآیند جهانی سازی و راه حل بهینه ما بین طلب و انتظارات مردم با ابزارهای سیاسی می‌باشد. برای مثال در حالی که از یک طرف تعادل های اقتصاد خرد مورد تعقیب است از طرف دیگر عوامل متضاد با اینها از قبیل سیاست‌های افزایش هزینه اجتماعی و اشتغال که مورد نیاز مردم است احزاب شریک حاکمیت را با مشکل مواجه می‌نماید. در حال حاضر حزب عدالت و توسعه مسائلی پیشروی خود دارد که در دوره‌های قبل عامل کاهش رأی و هویت احزاب اقتدار بوده است.

با توجه به داده‌ها در جبهه مغلوب شده‌ها احزاب حرکت ملی و مام میهن از کف انتخاب کنندگان محافظت نموده اما ستون فقرات آن شکسته و حزب دموکرات چپ بطور کلی ضعیف شده حتی با حذف از صحنه سیاست مواجه گشته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد اگر این سه حزب سیاسی برنامه‌ها و رسالت خود را با توجه به انتظارات مردم جهت ندهد برگشت بر قدرت سیاسی قبلی سخت خواهد بود.

بعضی احزاب مغلوب دیگر نیز راه حل را در تغییر رهبران جستجو کرده‌اند. بی شک تغییر رهبر به عنوان وسیله بقاء احزاب سیاسی یک بررسی وسیع را ضروری می‌نماید. اما در مناقشه انتخاب رهبر برای حزب راه راست در مورد آقای محمد آغار^۱ که نام وی به عنوان رهبر حزب مطرح بود جهت سنجش انتظارات مردم در این مورد دو سؤال پرسیده شده است. که بر آن اساس ۲۵ درصد کلیه انتخاب کنندگان و ۴۲٪ رأی دهندگان به حزب راه راست رهبری آقای محمد آغار را برای حزب مذکور بسیار خوب با خوب پاسخ داده‌اند (جدول شماره ۲۰) از طرف دیگر تنها ۱۲٪ از کلیه انتخاب کنندگان و ۳۲٪ انتخاب کنندگان حزب راه راست اعتقاد داشته‌اند که آقای محمد آغار می‌تواند قشر راست گرا را در زیر یک چتر جمع آوری نماید و بیش از نصف نیز این اعتقاد را نداشته‌اند.

در نتیجه در موفقیت و عدم موفقیت انتخابات عامل مؤثر تنها رهبر کاربزمای نیست. آنچه مهم است خط مشی که در سیاست نمایندگی آن را به عهده دارد، بطور مستمر با توجه به شرایط روز نوسازی کرده و در

اجرای آن نیز نباید هم انتظارات و خواسته‌های کف انتخاب کنندگان خود و هم مردم بی‌توجه بود. چون در دموکراسی‌ها اصل مطالبات و حساسیت‌های مردم است. از مردم رأی گرفتن و بر خلاف آنان سیاست انجام دادن موفقیت آمیز نخواهد بود. این واقعیت همانند دیروز فردا نیز خود را نشان خواهد داد.

جدول شماره ۲۰- رهبری محمد آغار در رأس حزب راه راست قرار گرفتن را چگونه ارزیابی می‌کنید.

رأی دهندگان حزب راه راست در سوم نوامبر ۲۰۰۲	کلیه انتخاب کنندگان	
۲۶/۹	۱۱/۸	خیلی بهتر می‌شود
۱۵/۵	۱۴/۴	بهتر می‌شود
۳۴/۷	۲۲/۰	مناسب نیست
۱۰/۴	۲۳/۳	فرق نمی‌کند
۱۵/۴	۲۶/۵	نمی‌دانم
آیا محمد آغار می‌تواند قشر راست‌گرا را در زیر یک چتر جمع‌آوری کند؟		
۳۲/۱	۱۲/۲	بلی
۵۰/۸	۵۲/۸	خیر
۱۶/۱	۳۳/۰	نمی‌دانم

فهرست منابع

- 1-Schmitt, Carl, Der Begriff des Politischen (1979); Text Vpm 1932 Mit Einem Vorwort Und Drei Coro llarien, Berlin: Duncker&Humblot. P.6
- 2- Carkoglu, Ali (2002); "Turkey's November 2002 Elections: A New Beginning?", Middle East Review of International Affairs (MERIA)", Vol. 6, Nu. 6, December, 10
- 3- Esmer, Yilmaz (1995); "Parties and The Electorate: A Comparative Analysis of Voter Profiles of Turkish Political Parties" in Cigdem Balim Vd. Turkey: Political, Social and Economic Challenges in the 1990s. Netherlands:E. J. Brill.
- 4- Bora, Tanil (2002); "Secimi ve Siyasi Guzergah Problemleri", Birikim, Say1. 63-164, Kas1m-Aralik, 29-35.
- 5- Ozbudun, Ergun (1976); Social Change and Political Participation in Turkey, Princeton, NJ: Princeton University Press.
- 6- Akgun, Birol (2002); "Explaining The Turkish Vote: Partisanship, Ideology and Economic Factors in Electoral Choice', Case Western Reserve University, Cleveland, Ohio, ABD
- 7- Dalton, Russell J., ve Martin P. Wattenberg (1993); "The Not So Simple Act of Voting", in The Sate of Discipline, Ed. Ada Finifter. Washington, DC: APSA.
- 8- Berelson, B, Lazarsfeld & W.N. Mchphee (1954), Voting. Chicago: university of Chicago Press .
- 9- Norris, pippa Ed. (1998), Elections and voting Behavior: New challenges, New perspectives . Datmouth: Ashagate .
- 10- Lazarsfeld, Paul, Bernard Berelson, and Hazel Gaudet (1944); The People's Choice: How The Voter Makes Up His Mind in a Presidential Campaign. New York: Columbia University Press.
- 11- Mackenzel, W, (1958) , Free Elections . London : Allen & Unwin
- 12- Lipset, Seymour M. & Stin Rokkan, (1967), Purty systems and voter Alignments : Cross – National perspectives. Newyork : The Free Press.
- 13- Dalton, Russel J. (1996); "Political Cleavages, Issues, And Electoral Change." , in Comparing Democracies: Elections and Voting in Global Perspective, Lawrance Leduc, Richard G. Niemi ve Pippa Norris, Eds. Thousand Oaks: Sage Publications.
- 14- Campbell, Angus, Etal, (1960), "The Ametican voter, Newyork Wiley press .
- 15- Franklin, Mark, Thomas T. Mackei, Henry Valen Vd. (1992); Electoral Change: Responses to Evolving Social and Attitudinal Structures in Western Countries. Cambridge: Cambridge University Press.
- 16-Bennet, Lance W. ve Barts R. Salisbury (1987); Rational Choice: The Emerging Paradigm in Election Studies, in Research in Micropolitics, V2: JAI Press Inc., 1-30.
- 17- Fiorina, Morris (1981): Retrospective Voting in American National Elections, New Haven: Yale University Press.
- 18- Lewis-Beck, Michael S. (1990); Economics and Elections: The Major Western Democracies, Ann Arbor: University Of Michigan Press.
- 19- منبع شماره ۷ ص ۹۵
- 20- unat, Nermin Abadan (1965) : Anayasa Hukuku ve siyasi Bilimler Aqısından 1965 Seqimlarinn Tahlili, Ankare A.O. Hykuk Fakultesi Yayinlari .

- ۲۱- منبع شماره ۵
- 22- Kalaycioglu, Ersin. (1994); "Elections and Party Preferences in Turkey: Changes and Continuities", Comparative Political Studies 27(3): 402-424.
- ۲۳- منبع شماره ۳
- ۲۴- منبع شماره ۶
- 25- Sayari, Sabri and Esmer, Yilmaz, Eds. (2002), Politics, Parties and Elections in Turkey, Boulder, Co: Lynne Rienner Publishers, Inc.
- ۲۶- منبع شماره ۵، ص ۴۱
- 27- Bultay, Tuncer ve Nuri Yildirim (1998), " Turk Secemenle rinin oy verme Egilimleri Uzerinde iktisadi sebeplerin onemi uzerinde Bir Deneme " siyasal Bilgiler Fakultesi Dergisi : 7-27
- 28- Karpas, Kemal (1959): Turkey's Politics: The Transformation to a Multi-Party System, Princeton, N.J.: Princeton University Press.
- 29- Sayari, Sabri (1978); The Turkish Party System In Transition, Government and Opposition, Winter 1978:39-57.
- 30- Ayata, Sencer (1996); Patronages, Party, and State: The Politicization of Islam in Turkey, Middle East Journal, 50(1):40-56.
- 31- Akyol. Taha. (2002). " Akp'nin Arkasinda Ne vor: ote – ki Partiler Ne yapıyor? "milliyet, 17-18-19 Ekim
- ۳۲- منبع شماره ۱ ص ۲۶
- 33- Gokce, orhan (2002), iletisim Bilimine Givis . 4. Boski Ankara: Turhan kitabevi: P. 26,
- 34- Ulku Doganay,2007, Justice and development party's (AKP'S) Discourse of Democracy and Conservatism: A Critical Regard to conservative Democracy, the journal of political sciences Ankara University, Faculty Of Political Sciency Vol,62 No, 1, 65-88
- 35- Schmitt, Carl, (1975); Theorie Des Partisanen. Zwischen Bemerkung zum Begriff des Politischen. 2 Aufl., Berlin: Duncker&Humblot.
- 36- Kardam, Ahmet ve Sezgin Tuzun (1998): Turkiye'deki Siyasi Dutuplasmalar Ve Secemen Darvranislari. Ankara: Veri Arastirma.
- ۳۷- منبع شماره ۶ ص ۱۶۰
- ۳۸- منبع شماره ۳۱ ص ۸۰
- 39- Can, Kemal, (2002) "Ne oldu simdi", Birikim, sayl 63- 164, Kasım – Aralık, 44-52
- 40- Gagatay, Soner (2002); "The November 2002 Elections And Turkey's New Political Era", Middle East Review of International Affairs (MERIA)", Vol. 6, Nu. 6, 25-35.